



احمد غلامی

بسیاری بر این باورند که انقلاب‌ها پیش‌بینی‌ناپذیرند. اگر منظور از این گفته، آن «لحظه تکین انقلاب» باشد، البته سخنی گزاف نیست. اما انقلاب‌ها فرایندی دارند که قابل مشاهده و پیش‌بینی است. تجربه انقلاب ۱۳۵۷ مصداق بارز این فرایند است که سالیان سال مستعد ظهور لحظه تکین انقلاب بود که سرانجام به وقوع پیوست. این لحظه تکین، بزنگاهی است که آحاد مردم یکدل و یک‌صدا می‌شوند تا اراده خودشان را متجلی کنند. در این تجلی اراده، توانی وجود دارد که هم از آنان در برابر مخالفان صیانت می‌کند و هم موجب تغییر به سمت‌وسویی می‌شود که مردم اراده کرده‌اند. اسپینوزا این وضعیت‌ها را «کناوتوس» می‌نامد. کناوتوس در تعاریف اولیه اسپینوزا به این معناست که هر چیزی برای «پایدارماندن در وضعیتش» و «ارتقا به وضعیتی بهتر» کوشش می‌کند. این صورت‌بندی اولیه اسپینوزا با دو جنبه سروکار دارد؛ جنبه ایستایی یعنی استقامت در ماندن و جنبه پویایی که تغییر وضعیت موجود است و بی‌شاهت به وضعیت کنونی جامعه ما نیست. از این منظر، جامعه ایران در حال صیانت از خود است و تلاش می‌کند انسجام خود را در برابر ایده‌های بیرونی که بیشتر مبتنی بر تصویری از ایران است، به‌گونه‌ای حفظ کند که هم منطبق بر واقعیت جامعه باشد و هم مانع تغییر وضعیت نشود. دشواری کار مردم این است که چگونه می‌توانند از این مرحله عبور کنند. دور از ذهن نیست مردم برای گذر از این وضعیت به سمت ائتلاف‌هایی بیرون که خواسته یا ناخواسته پیش‌روی آنان قرار دارد. وضعیت‌های انقلابی همواره اغواگرانه است؛ در این وضعیت‌ها ائتلاف‌هایی شکل می‌گیرد که نه تنها شکننده است، گاه موجب تغییری جدی در مسیر حرکت می‌شود. اغلب انقلاب‌ها این وضعیت اغواگرانه را تجربه کرده‌اند؛ چراکه حرکت‌های اجتماعی بیش از آنکه بر اساس «عقل» باشد، بر مدار «حال‌مایه»‌ها است.

۳۳

ادامه در صفحه ۶

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴
۱۰ رمضان ۱۴۴۷
۲۸ فوریه ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۳۳۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

تبعات چرخش افغانستان به سمت هند و کمک به گروه‌های تروریستی مخالف «اسلام‌آباد»

# اعلان جنگ پاکستان به کابل

گزارش تیتربیک رادر صفحه ۶ بخوانید



«شرق» از تداوم فضای مبهم بین جنگ و توافق پس از پایان دور سوم مذاکرات ژنو گزارش می‌دهد

## روی خط تعلیق

آژانس: نمی‌توانیم تعلیق غنی‌سازی در ایران را تأیید کنیم

تخصیص اورانیوم غنی شده ایران ۹۸۷۲.۹ کیلوگرم برآورد می‌شود

این گزارش رادر صفحه ۲ بخوانید

## از خلع صلاح تا خلع سلاح



امیر تامنی

این روزها ایران در «لحظه تاریخ» قرار دارد؛ لحظه‌ای که سرنوشت کشور در تیک‌تاک قره‌به‌های ساعت دیپلماسی در حال رقم‌خوردن است؛ لحظه‌ای که یک «واژه» یا «امضا» می‌تواند از وزن زمین بکاهد یا یک «شلیک» کبریت به انبار باروت بیندازد و ساعت دیپلماسی را صفر کند. یک موقعیت خاص و منحصر‌فرد دیگر در تاریخ معاصر پرفرازونشیب ایران که شاید نزدیک‌ترین رخداد تاریخی مشابه به آن را در تاریخ در ماجراهای شهرویر ۱۳۲۰ در کتاب‌ها خواندیم و امروز هم در قالب و داستانی دیگر به چشم خود در حال نمایش آن هستیم. برای جمهوری اسلامی فرارگیری در این موقعیت، یعنی سرشاخ‌زدن نهایی با ایالات متحده، یک امر قابل پیش‌بینی بود که در یوز داشت ولی سوخت و سوز نداشت؛ چراکه پس از «سال‌ها (قبل از انقلاب) پیروی مذهب زندان کردن»، انتخاب مسیر «در خلاف آمد عادت» قطعاً هزینه‌های داشت که بالاخره باید نقد می‌شد و حالا «ترامپ» به‌مثابه‌ای سحر خری است که می‌خواهد چک شاعرها و وعده‌ها را نقد کند. این روزها همه از هم این سوالات را می‌پرسند که «جنگ می‌شود؟»، «کی جنگ می‌شود؟» و «بعدش چی می‌شود؟»؛ غافل از آنکه سال‌هاست جنگ علیه «مردم ایران» در ذهن و سفره آنان شروع شده و فقط پرده آخرین جنگ که جنگ نظامی تمام‌عیار است، هنوز اکران نشده است. به‌واقع اصلی‌ترین و بزرگ‌ترین بازیگران این جنگ در تمامی این سال‌ها، برخلاف ادعای ایالات متحده، «مردم ایران» بود؛ مردمی که اساساً در تمام این سال‌ها همواره متأثر از پیامد تحریم‌ها و فشارهای بیرونی، به وضعیت «شوکی زیستی» عادت کرده‌اند و اگر مدتی طولانی را بدون اخبار تلخ و مصایب گوناگون سپری کنند، دچار حیرت‌زدگی و تعجب می‌شوند. مردمی که این سال‌ها زیر چرخ‌های تورم، بیکاری، تبعیض و فساد منتج از تحریم‌ها له شده و عمری را «گوش» به اخبار و تحولات سیاسی و «چشم» به خیمه‌ش‌بازی قیمت دلار، طلا، مسکن و خوراک و پوشاک و حسرت دائمی داشتن یک زندگی معمولی گذرانده‌اند.

۳۳

ادامه در صفحه ۶

## پیامدهای منطقه‌ای سوریه در پرتو تحولات مسائل کردها و کشور عراق



سید حسین موسوی\*

همزمان با عقب‌نشینی‌های قسد، احمد الشرع، رئیس دولت سوریه، به‌صورت هوشمندانه‌ای فرامشی صادر کرد که در آن بر حفظ حقوق شهروندی کردهای سوریه تأکید داشت و فرهنگ و زبان کردی و نیز مراسم نوروز را به رسمیت شناخت. نیروهای قسد پس از عقب‌نشینی بدون هماهنگی با آمریکا و ائتلاف بین‌المللی، زندان الشدادی در منطقه حسکه را رها کردند و در نتیجه صدها زندانی داغ آزاد شد. البته برخی از این فراریان پس از استقرار دولت سوریه در منطقه و به‌دست‌گیری کنترل زندان، مجدد دستگیر شدند. در ۱۷ ژانویه، تام باراک، فرستاده ویژه آمریکا در اربیل، با میزبانی مسعود بارزانی با مظلوم عبیدی، رهبر قسد، دیدار کرد. در این دیدار، به گفته برخی منابع الجزیره، باراک با انتقاد از مظلوم عبیدی، او را متهم به همکاری با ایران و مسئول تحریک اسرائیل برای کشاندن این رژیم به مسئله کردها و نیز افزایش تنش اسرائیل علیه ترکیه کرد. او به عبیدی گفته است «تو مرا فریب دادی و با فرارهای مکرر از اجرای توافق ۱۰ مارس، رئیس‌جمهور سوریه را هم فریب دادی». باراک در این دیدار اعلام کرد که قسد از نظر آمریکا دیگر تمام شده است و دلیلی برای ادامه فعالیت ندارد و سپس دستورالعمل‌های گسترده‌ای را برای پایان‌دادن به خشونت‌ها در سوریه به او ابلاغ می‌کند.

روز بعد در ۱۸ ژانویه احمد الشرع در یک تماس تلفنی با مسعود بارزانی به او نوبت می‌شد و سومی از آن به آمریکایی‌ها هم می‌رسید، اکنون دیگر و در عصر همان روز تام باراک در دیدار با الشرع، الحاقیه‌ای را به توافق ۱۰ مارس اضافه می‌کند که در آن کلاً موضوع خودمختاری مورد درخواست قسد در استان‌های الرقه و دیرالزور منتفی شده و بازگشت دوایر دولتی به استان حسکه تأکید می‌شود. الحاقیه توسط احمد الشرع امضا شده و ظاهراً مظلوم عبیدی که از سفر به دمشق برای شرکت در این جلسه بهانه آورده است، از راه دور و با امضای مجازی آن الحاقیه را تأیید می‌کند. در این الحاقیه همچنین ذکر شده بود که همه پایگاه‌های نظامی قسد در کوبانی (عین‌العرب) باید تخلیه شده و هم‌زمان جنگجویان قسد در این استان نیز باید در نهادهای نظامی سوریه به‌صورت انفرادی و نه به‌صورت واحدهای نظامی، ادغام شوند.

مظلوم عبیدی در ۱۹ ژانویه، روز بعد از این توافق بر سر الحاقیه، به دمشق می‌رود و پیش از پنج ساعت با احمد الشرع گفت‌وگو می‌کند. در این دیدار، الشرع از عبیدی خواستار اجرای فوری الحاقیه ۱۸ ژانویه می‌شود و به او پیشنهاد می‌کند با معاون وزیر دفاع سوریه شود یا استانداری حسکه را بپذیرد. عبیدی در این دیدار ظاهراً پیشنهاد را نمی‌پذیرد و همچنان بر خودمختاری استان حسکه اصرار می‌کند. در این دیدار که تام باراک نیز حضور داشت، پس از اصرار عبیدی بر مواضع خود، باراک با معصبات جلسه را ترک کرده و موضوع را به اطلاع ترامپ می‌رساند. به گزارش منابع الجزیره، ترامپ در یک تماس تلفنی با احمد الشرع ضمن تأکید بر وحدت سرزمینی و حاکمیت دولت سوریه بر همه مناطق کشور، بر حفظ امنیت زندان‌هایی که داعش در آنها زندانی است، تأکید می‌کند.



کناره‌گیری شهاب حسینی از سینما یا دلخوری؟

۱۲

رشد ۲۰۲ درصدی قیمت طلا در یک سال گذشته  
الگوی معاملات بازار را متفاوت کرد

## سقوط قدرت خرید سرمایه‌گذاران طلا

۴

گزارش «شرق» از کمبود، کمیابی و گرانی داروهای ضد‌افسردگی و کاهش عرضه شرکت‌های تولیدکننده

## کمیابی آسترا و فلوکستین؛ بازار «روان» زیر فشار قیمت

۱۰

نگاهی تحلیلی به آثار گونه ورزشی در سینمای ایران

## جایی برای ورزش زنان نیست

۸

هوش مصنوعی بدون اینترنت آزاد؛ توسعه یا توهم؟

۵

## آنچه گذشت

### انحلال مطالبات نسلی

دهه هشتادی‌ها

یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

۷

هیچ نبردی، آخرین نبرد نیست



مهرداد احمدی‌شیخانی

هشت سال، زمانی طولانی برای فراموش کردن برخی وقایع نیست، به‌خصوص اگر بارها از آن یاد کرده باشیم. هشت سال پیش و در رخداد‌های آبان ۹۶ که از همان ابتدا هم معلوم بود رخدادی دست‌ساز برای تحت فشار قراردادن دولت وقت است. شعاری در برخی اجتماعات داده شد که بعدها یکی از جامعه‌شناسان ساکن خارج از کشور در برنامه‌ای تلویزیونی متذکر شد در بررسی فیلم‌های منتشره از آن وقایع، متوجه شده که آن شعار فقط در دو تجمع با فاصله مکانی بسیار زیاد داده شده است؛ شعاری از این مضمون که «اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا». هرچه بود، در زمان آن اعتراضات، این شعار فراگیر نبود، ولی بعد از پایان اعتراضات و پس از گذشت مدتی، این شعار به‌عنوان شعار اصلی آن وقایع از سوی بسیاری باور شد و همین عجیب بود که چگونه شعاری که در بطن ماجرا نبوده، بعدها به این گستردگی، پیام آن وقایع شده است. همان موقع در یادداشتی به تشکیک این موضوع پرداختم که وقتی شعار محوری آن اعتراضات این نبوده، دلیل اقبالش و به‌خصوص در بین ایزدیسویس چیست؟ که نوشتم ایزدیسویس از آن جهت که گمان دارد این شعار بیانگر همراهی معتزنان با خواسته آنان است، مبلغ بی‌جیره و مواجب آن شده و تصور می‌کند با حذف اصلاح‌طلبی و اصولگرایی، این ساختار است که تغییر خواهد کرد، در حالی که اصلاً هیچ تعرضی در این شعار به ساختار نشده بود...

۳۳

ادامه در صفحه ۶

در مجموع با توجه به حضور پررنگ نظامی آمریکا در منطقه، شرایط برای عراق نیز موقعیت‌های دشواری را ایجاد کرده است.

این که آیا عراق می‌تواند فشارهای آمریکا را برای گزینه‌های ریاست جمهوری و نخست‌وزیری کم‌رنگ کند، آینده نزدیک نشان خواهد داد.

\* رئیس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

نوبت اول



سازمان خصوصی‌سازی  
IRANIAN PRIVATE ORGANIZATION

«خلاصه آگهی عرضه عمومی»

شناسه آگهی ۲۱۴۱۰۴۰ رجوع به صفحه ۳ م الف ۴۵۵۴

### خبر

### هشدار امام جمعه شیراز درباره مذاکره ایران و آمریکا: گزینه ما بعد از مذاکره، جنگ است

امام جمعه شیراز گفت: هر مذاکره‌ای به معنای رسیدن به نتیجه مطلوب نیست، اما گاهی تا مذاکره نشود، گزینه بعدی که جنگ است روی میز باقی می‌ماند؛ همان‌طور که رئیس مجلس و مسئولان ارتش اعلام کردند.
گزینه بعدی ما روی میز است و ترس هم کسی را فرانگرفته است.
به گزارش ایرنا، لطف‌الله دژکام در خطبه‌های نماز عبادی-سیاسی جمعه شیراز با اشاره به تحولات اخیر سیاسی و مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در ژنو، به تبیین مؤلفه‌های قدرت ملی پرداخت و ایمان را نقطه اتکای اصلی ملت ایران در برابر بدخواهان دانست. او با بیان اینکه مسائل دیپلماسی این روزها خبر اول کشور است، اظهار کرد: هر مذاکره‌ای به معنای رسیدن به نتیجه مطلوب نیست، اما گاهی تا مذاکره نشود، گزینه بعدی که جنگ است روی میز باقی می‌ماند.

همان‌طور که رئیس مجلس و مسئولان ارتش اعلام کردند، گزینه بعدی ما روی میز است و ترس هم کسی را فرانگرفته است. نماینده ولی فقیه در استان فارس با اشاره به سخنان روز گذشته رئیس‌جمهور، موضع ایشان را قدرتمندانه توصیف کرد و گفت: مذاکره از موضع قدرت منطق دارد و طرف مقابل باید این را درک کند. ما برای اتمام حجت وارد مذاکره شده‌ایم و تا حدی که ضرورت داشت، در رده عالی کشور تصمیم‌گیری و این مسیر ادامه یافته است. او مؤلفه دوم قدرت را قدرت اقشار مختلف ملت برشمرد و به نمونه اخیر آن در دانشگاه‌ها اشاره کرد و افزود: قدرت دانشجویان بصیر و فهیم را در دانشگاه‌ها دیدیم که در برابر معذودی فریب‌خورده که به پرچم کشور بی‌احترامی کردند، ایستادند. دستگاه قضائی نیز به موقع ورود کرد و این اقدامات را جرم دانست. عضو مجلس خبرگان رهبری بیان کرد: این جنبه‌ای از قدرت است که نفوذی‌ها و فریب‌خورده‌ها را در صفوف خود شناسایی یا آنها را راهنمایی کنیم تا هدایت شوند یا به دست قانون بسپاریم.

### امام جمعه اصفهان:

### اینکه ویتکاف و داماد ترامپ پشت در مذاکرات ماندند، نشانه قدرت ملت ایران است

خطیب جمعه اصفهان با اشاره به مذاکرات اخیر گفت: آمریکا تلاش داشت ویتکاف و دامادش در مذاکرات حضور یابند، اما با واکنش قاطع ایران، پشت در مذاکرات ماندند و نتوانستند به اهداف خود برسند و این نشان‌دهنده قدرت و ایستادگی ملت است.
به گزارش خبرآنلاین، سیداحمد محمودی، امام‌جمعه موقت اصفهان ظهر دیروز در خطبه‌های نماز جمعه در مصلای امام خمینی(ره) اصفهان با بیان اینکه ملت ایران با همه مشکلات اقتصادی و فشارهای حداکثری آمریکا توانستند پایدار بمانند و عزت و استقلال خود را حفظ کنند، اظهار داشت: نماینده ویژه ترامپ، ویتکاف، اخیرا اعتراف کرده است فشارها بسیار زیاد بوده و اگر هر کشور دیگری بود، از یا درمی‌آمد. او افزود: ملت ما با صبر، استقامت و مدیریت شبانه‌روزی اجازه ندادند زندگی و جامعه‌شان تحت‌تأثیر فشارهای خارجی قرار گیرد.
ایران با عزت نفس ایستاد و از کسی وام امنیت نگرفت. خطیب جمعه اصفهان با اشاره به مذاکرات اخیر گفت: آمریکا تلاش داشت ویتکاف و دامادش در مذاکرات حضور یابند، اما با واکنش قاطع ایران، پشت در مذاکرات ماندند و نتوانستند به اهداف خود برسند و این نشان‌دهنده قدرت و ایستادگی ملت است.
محمودی تأکید کرد: در دکترین سیاست جمهوری اسلامی، مذاکره فقط یک ابزار است و راهبر اصلی کشور تأمین امنیت ملی و مقاومت در برابر نظام سلطه است؛ خطرقرم‌های نظام روشن است و ملت بر همان مسیر حرکت می‌کند. او گفت: رئیس‌جمهور سابق آمریکا به‌تازگی قریب دو ساعت سخنرانی کرد و اراجیف و دروغ‌های فراوانی بیان کرد. دروغ‌گو حافظ ندارد و حرف‌هایش خودش را لو می‌دهد و او صراحتا اعتراف کرد که ۴۷ میلیارد است آمریکا تلاش کرده جمهوری اسلامی ایران را ساقط کند و نتوانسته است.
محمودی افزود: این ناکامی نتیجه ایستادگی و مقاومت ملت ایران است. دشمن باید بداند در مقابل ملت مقاوم، شجاع و حکیم ایران، هیچ خدمه و فشار حداکثری کارساز نیست. حتی دروغ‌های بزرگ و تلاش‌های فریبکارانه نیز نمی‌تواند ملت ما را وادار به تسلیم کند.
محمودی افزود: این ایستادگی ملت ایران الگویی برای مقاومت در برابر ظلم و سلطه جهانی است. هیچ فشار خارجی و ابزار سیاسی نمی‌تواند عزت و امنیت ملت ما را خدشه‌دار کند.

### سیداحمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه: نظام زیر بار تعلیق غنی‌سازی نمی‌رود

سیداحمد خاتمی در خطبه‌های نماز جمعه این هفته تهران که هشتم اسفندماه در مصلای بزرگ امام خمینی(ره) برگزار شد، با اشاره به مذاکرات غیرمستقیم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا اظهار داشت: در مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا، وزیر امور خارجه حرف نظام را در مذاکرات می‌زند اما ما نیز حرف شما مردم را می‌گوییم. نکته اول این است، خط نظام این است؛ مذاکره در عرصه هسته‌ای است و پس و موشکی غیرقابل مذاکره است و قابلیت مذاکره ندارد که باید به این نکته توجه داشت. به گزارش ایرنا، او افزود: نکته دوم آن است که نظام مطلقا زیر بار تعلیق غنی‌سازی نمی‌رود، آنچنان که رفته و نخواهد رفت. این حرف است که بعضی مذاکره‌کنندگان آمریکایی می‌گویند غنی‌سازی باید به صفر برسد، محال است. نکته سوم این است که ترامپ فرعون عصر است. او خودش را برترین می‌داند و با زور می‌خواهد حرف خودش را تحمیل کند و احمقانه فکر می‌کند، اما ملت زیر بار زور نخواهد رفت. خطیب جمعه تهران تصریح کرد: ویتکاف -نماینده ترامپ در مذاکرات- گفته است چرا تهران با وجود نیروی دریایی آمریکا تسلیم نمی‌شود؛ این شاهدهی بر این است که ترامپ و ترمس‌ی‌ها ملت ایران را نشناخته‌اند و این نفهمی‌ها کار دست آنها داده است. ایرانی‌ها تربیت‌شده مکتب امام حسین هستند «هیبات من اللّه» با پوست و گوشت و خون آنها عجیب شده است. این بار اگر درگیری پیش آید، یزیدی‌ها کشته خواهند شد. او با اشاره به بیانات اخیر مقام معظم رهبری در برابر تهدیدات رئیس‌جمهور آمریکا گفت: به تعبیر مقام معظم رهبری خطرناک‌تر از ناوهای شما (ایالات متحده آمریکا) سلاحی است که آنها (ناوها) را به قعر دریا می‌برد. الحمدلله با این بیانات، امام(ره) زنده شد؛ گویا این کلام، کلام امام است. پس از آنکه آمریکایی‌ها هواپیمای مسافربری را را زدند، امام(ره) فرمود همیشه این‌گونه نیست که هواپیمای مسافربری ما توسط ناوهای شما سرتکون شود، بلکه ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب‌های خلیج فارس بفرستند.

## سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

**۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰**

**عبدالرحمن فتح‌اللهی**؛ برخلاف آنچه در آستانه دور سوم مذاکرات ژنو انتظار می‌رفت، گفت‌وگوهای میان هیئت‌های ایران و آمریکا نتوانست از حجم تعلیق و ابهام حاکم بر فضا بکاهد؛ چون نه نشانه‌ای روشن از گشایش قطعی پدیدار شد و نه سایه تقابل به‌طور محسوسی عقب نشست، بلکه وضعیت همچنان میان دوگانه «جنگ یا توافق» در نوسان باقی مانده است. بنابراین این پرسش اصلی که چه خواهد شد و اینکه مسیر پیش‌رو به کدام سو خواهد انجامید، همچنان بی‌پاسخ مانده و افق تحولات، مه‌آلود و چندلایه به نظر می‌رسد. در این میان، مقامات عمانی و ایرانی بار دیگر با ادبیاتی محتاطانه، اما خوش‌بینانه از تداوم گفت‌وگوها و امکان پیشرفت سخن گفته‌اند؛ مواضعی که بیش از آنکه حاوی جزئیات عینی باشد، بر کلی‌گویی‌های دیپلماتیک و تأکید بر «ادامه مسیر» استوار است. در مقابل، سکوت معنادار مقامات آمریکایی و پرهیز آنان از ارائه ارزیابی صریح، بر پیچیدگی معادله افزوده است. این سکوت می‌تواند نشانه‌ای از تردید، بازنگری راهبردی یا حتی اختلاط‌نظری‌های داخلی باشد. برآیند این وضعیت، تقویت فضای انتظار و افزایش عدم قطعیت است؛ فضایی که در آن هر تحول کوچکی می‌تواند موازنه شکننده کنونی را به‌سوی توافقی دشاوار یا تنش‌ی گسترده سوق دهد. حتی خیرها درباره برگزاری نشست مقامات ایران و آژانس در دوشنبه هفته جاری و دور دیگری از گفت‌وگوهای تهران – واشنگتن، این بار به میزبانی وین هم نمی‌تواند چیزی از تعلیق فعلی و عدم قطعیت‌ها بکاهد.

## در ژنو چه گذشت؟

دور سوم مذاکرات هسته‌ای غیرمستقیم ایران و آمریکا با میانجیگری عمان، روز پنجشنبه هفتم اسفندماه ۱۴۰۴ در ژنو و در محل سفارت عمان برگزار شد و پس از ساعت‌ها گفت‌وگوهای فشرده، عصر همان روز به پایان رسید. این مذاکرات در حالی انجام شد که فضای سیاسی و رسانه‌ای درباره آن آکنده از گمانه‌زنی درباره امکان دستیابی به توافق یا حرکت به سمت تشدید تنش بود. ریاست هیئت ایرانی را سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه برعهده داشت و در سوی مقابل، استیو ویتکاف، نماینده ویژه دونالد ترامپ، هدایت تیم آمریکایی را عهده‌دار بود. بدر البوسعدی، وزیر خارجه عمان نیز نقش میانجی را ایفا کرد. وزارت خارجه ایران اعلام کرده بود رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، برای کمک به پیسبرد گفت‌وگوهای فنی به ژنو پیوست. صبح پنجشنبه، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، اعلام کرد گفت‌وگوها از ساعات ابتدایی روز میان طرف عمانی و آمریکایی آغاز شده بود و هیئت ایرانی با آمادگی کامل و با همراهی کارشناسان هسته‌ای، اقتصادی و حقوقی وارد مذاکرات شد. او همچنین به اظهارات متناقض برخی مقام‌های آمریکایی اشاره کرد و آن را نشانه‌ای از احتیاط اختلاف‌نظر در راه‌شدن دانست. مرحله نخست مذاکرات حدود سه ساعت به طول انجامید. به گفته منابع ایرانی، در این دور پیشنهادهای «مهم و عملیاتی» هم در حوزه هسته‌ای و هم در زمینه رفع تحریم‌ها مطرح شد و دو طرف برای مشورت با پایتخت‌های خود، وقفه‌ای کوتاه در گفت‌وگوها ایجاد کردند. وزیر خارجه عمان در شبکه اجتماعی «ایکس» اعلام کرد تبادل ایده‌های خلاقانه و مثبت در فضای سازنده جریان داشت و مذاکره‌کنندگان با کوشدگی نسبت به راه‌حلی‌های جدید برخورد کردند. در جریان مذاکرات، روایت‌های رسانه‌ای متعددی منتشر شد. شبکه سی‌ان‌ان به نقل از منبعی آگاه گزارش داد طرف آمریکایی بر محدودسازی «غنی‌سازی اورانیوم و تداوم راستی‌آزمایی بلندمدت برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده بود. در مقابل، شبکه الجزیره به نقل از یک مقام ارشد ایرانی اعلام کرد پیشنهاد تهران بر رفع تحریم‌ها و ارائه مسیرهای فنی برای اطمینان‌بخشی نسبت به ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای متمرکز بود و شامل موضوع موشکی یا انتقال ذخایر اورانیوم به خارج نمی‌شد. این مقام تأکید کرده بود اصل «صرف‌سازی دائمی غنی‌سازی» و برچیدن تأسیسات هسته‌ای مردود است. هرچند تعلیق موقت و محدود مورد بحث قرار گرفته بود. المیادین هم نوشته بود مذاکرات غیرمستقیم میان واشنگتن و تهران وارد مرحله پیشرفته‌ای خواهد شد و جزئیاتی که

مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح می‌کند ممکن است در پیش‌نویس توافق میان دو طرف لحاظ شده باشد. خبرگزاری نیویورک تایمز مدعی شد ایران احتمالاً پیشنهاد تعلیق سه تا پنج‌ساله برخی فعالیت‌های هسته‌ای و کاهش سطح غنی‌سازی به حدود ۱.۵ درصد برای مصارف پزشکی را مطرح کرده و آماده است بخشی از ذخایر اورانیوم با غنای بالا را به‌صورت مرحله‌ای رقیق کند؛ ادعایی که از سوی مقام‌های رسمی ایران تأیید نشد. هم‌زمان، اسیوس گزارش داد مذاکرات به‌صورت ترکیبی از گفت‌وگوهای غیرمستقیم و تماس‌های مستقیم برگزار شد و حتی مدعی ناامیدی ویتکاف و جرد کوشنر از برخی مواضع صبح هیئت ایرانی شد. در مرحله دوم که از ساعت ۵:۳۰ عصر پنجشنبه به وقت محلی در ژنو آغاز شد، گفت‌وگوها با حضور میانجی‌عی عمانی و مدیرکل آژانس ادامه یافت. خبرنگار صدواسیما گزارش داد دو طرف نسبت به دیدگاه‌های یکدیگر «چراغ سبز» نشان داده‌اند،



## «شرق» از تداوم فضای مبهم بین جنگ و توافق، پس از پایان دور سوم مذاکرات ژنوگزارش می‌دهد

# روی خط تعلیق

هرچند سخنان ضدونقیضی از سوی مقام‌های آمریکایی شنیده می‌شند. او تأکید کرد انتقال مواد غنی‌شده ایران به خارج از کشور رد شده و حق بهره‌برداری صلح‌آمیز هسته‌ای و ظرفیت تولید سوخت حفظ خواهد شد. برخی رسانه‌های عربی از احتمال تمدید مذاکرات تا روز بعد خبر دادند و حتی از طرح ایده «توافق عدم تعرض» سخن گفتند. با این حال، در پایان روز پنجشنبه، هیئت آمریکایی محل مذاکرات را ترک کرد و منابع رسمی ایرانی پایان دور سوم گفت‌وگوها را اعلام کردند. خبرگزاری تسنیم نیز گزارش داد دیدار کوتاهی میان عراقچی و ویتکاف در چارچوب نزاکت دیپلماتیک و در حد دست‌دادن صورت گرفته بود.

### از برداشت مثبت تهران و مسقط تا سکوت واشنگتن

در پایان دور سوم مذاکرات ایران و آمریکا، عباس عراقچی از «بیشرفت خوب» در گفت‌وگوها خبر داد و اعلام کرد دو طرف در برخی حوزه‌ها به تفاهم‌های نزدیک دست یافته‌اند. وزیر خارجه کشورمان، این دور را یکی از بهترین ادوار مذاکراتی توصیف کرد و افزود: «تیم‌های فنی از روز دوشنبه این هفته مذاکراتی تخصصی را آغاز خواهند کرد». به گفته مسئول تیم مذاکراتی ایران: «موضوع شورای امنیت و تحریم‌های یک‌جانبه از مطالبات اصلی تهران بود و قرار شد در دور بعدی به‌صورت جزئی‌تر بررسی شود». عراقچی، همچنین اعلام کرد: «دور چهارم مذاکرات حدود یک هفته دیگر و پس از انجام مشورت‌ها در پایتخت‌ها برگزار خواهد شد». بدر البوسعدی، وزیر خارجه عمان نیز با اعلام پایان دور سوم مذاکرات ایران و آمریکا که در دور مرحله و با میانجیگری او و رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برگزار شده بود، از دست‌یابی به «بیشرفت قابل توجه» در گفت‌وگوها خبر داد و تأکید کرد: «این دور از مذاکرات پس از تبادل دیدگاه‌ها و ثبت برخی پیشرفت‌ها به پایان رسید و قرار است پس از انجام مشورت‌های لازم در پایتخت‌های دو کشور، بزودی از سر گرفته شود». وزیر خارجه عمان همچنین اعلام کرد: «گفت‌وگوهای فنی میان طرفین این هفته در وین برگزار خواهد شد؛ نشست‌ی که می‌تواند زمینه‌ساز ورود به جزئیات تخصصی‌تر در پرونده هسته‌ای باشد». البوسعدی در پایان از تمامی طرف‌های درگیر در این روند، از جمله مذاکره‌کنندگان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دولت سوئیس به عنوان میزبان این گفت‌وگوها، قدرانی کرد. در کنار ارزیابی‌های مثبت وزرای خارجه ایران و عمان از روند مذاکرات ژنو، سکوت معنادار هیئت مذاکره‌کننده آمریکایی و به‌طور کلی دولت ترامپ بار دیگر جلب توجه کرد؛ سکوتی که در دو دور پیشین (مذاکرات مسقط و ژنو) نیز تکرار شده بود. این امتناع از موضع‌گیری علنی، نهنتها به شفافیت روند کمک نکرده، بلکه بر دامنه ابهام‌ها افزوده و پرسش‌های تازه‌ای را درباره نیت و راهبرد نهایی واشنگتن در قبال تهران برانگیخته که واقعا کاخ سفید چه واکنش‌هایی برای ایران دیده است؟ در چنین فضایی، فقدان روایت رسمی از سوی آمریکا، تحلیل مسیر پیش‌رو را دشوارتر کرده و تردیدها درباره مقصد نهایی این گفت‌وگوها را تقویت می‌کند.

### یک سفر معنادار

شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی گزارش داد جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، با برنامه‌ریزی شش‌سתי تازه وارد روند مذاکرات مرتبط با ایران شده است. بر اساس این گزارش، ونس دیروز جمعه در واشنگتن با بدر البوسعدی، وزیر امور خارجه عمان، دیدار کرد؛ هرچند تا لحظه تنظیم گزارش، خبری دال بر محتوای این دیدار مخایره نشده، اما این دیدار در حالی برنامه‌ریزی شد که پیش‌تر استیو ویتکاف، نماینده ویژه آمریکا و جرد کوشنر، داماد و مشاور ارشد دونالد ترامپ، روز پنجشنبه در ژنو با البوسعدی گفت‌وگو کرده بودند. به نوشته ام‌اس‌ان‌بی‌سی، هدف از راینی‌های جدید در واشنگتن، تلاش برای جلوگیری از تشدید تنش و احتمال درگیری نظامی با ایران عنوان شده است؛ موضوعی که پیش از این به‌صورت رسمی اعلام نشده بود. این تحرک دیپلماتیک در آت‌ها جریان دارد و تأکید کرده که انجام فوری و تهدید کرده بود در صورت شکست مذاکرات، گزینه نظامی را



کنار نخواهد گذاشت. رئیس‌جمهور آمریکا برای اقدام نظامی احتمالی علیه ایران درخواستی برای مجوز از کنگره ارائه نکرده بود؛ مسئله‌ای که با انتقاد دموکرات‌ها مواجه شد. گفتنی است ونس روز پنجشنبه در گفت‌وگویی با واشنگتن‌پست تأکید کرد ایالات متحده قصد ورود به یک جنگ طولانی‌مدت در خاورمیانه را ندارد و احتمال چنین سناریویی را رد کرد. معاون اول ترامپ گفته بود هیچ شانسی برای گرفتارشدن آمریکا در جنگی بی‌پایان وجود ندارد. با این حال، برخی مقامات پنتاگون و اعضای کنگره هشدار داده بودند حتی حملات محدود نیز می‌تواند به درگیری گسترده و طولانی منجر شود و آمادگی نظامی آمریکا را تحت فشار قرار دهد. ترامپ نیز در سخنرانی خود در کنگره اعلام کرده بود ترجیح می‌دهد بحران با ایران از طریق دیپلماسی حل شود، اما هرگز اجازه نخواهد داد تهران به سلاح هسته‌ای دست یابد. تا پیش از این، برداشت غالب در محافل سیاسی واشنگتن آن بود که جی‌دی ونس را می‌توان در شمار چهره‌هایی قرار دارد که نسبت به اقدام نظامی علیه ایران با احتیاط و تردید می‌نگرند و بر پرهیز از ورود به یک جنگ پرهزینه در خاورمیانه تأکید دارند. با این حال، ورود فعال او به روند راینی‌های مرتبط با ایران و شکستن سکوت نسبی‌اش، می‌تواند حامل پیام‌های تازه‌ای باشد. این تحول لزوماً به معنای تغییر بنیادین موضع او نیست، اما نشان می‌دهد حلقه تصمیم‌سازی در دولت دونالد ترامپ در حال بازآرایی است و مخالفان گزینه نظامی دیگر در حاشیه امن پیشین قرار ندارند. اگر ونس، که پیش‌تر بر ریسک‌های جنگ تأکید می‌کرد، اکنون در متن طراحی سناریوهای جدید قرار گرفته باشد، می‌توان چنین برداشتی کرد که وزن جریان متمایل به فشار حداکثری در حال افزایش است؛ هرچند هنوز نشانه‌ای قطعی از اجماع بر سر جنگ دیده نمی‌شود. بیرون‌نگته خود نیز دنیس سیترونوویچ، عضو اندیشکده آمریکایی شورای اتلانتیک، در تحلیلی درباره سفر وزیر خارجه عمان به واشنگتن نوشت: «این سفر احتمالا پاتزاب ارزیابی مسقط از نزدیک‌شدن دونالد ترامپ به نقطه تصمیم‌گیری درباره ایران است». به باور او: «عمان تلاش دارد در این مقطع حساس به تصمیم‌گیران ارشد آمریکایی دسترسی مستقیم داشته باشد و این پیام را منتقل کند که همچنان امکان دستیابی به توافق وجود دارد». البته این عضو اندیشکده شورای اتلانتیک بعيد ندانست که «چهره‌هایی نزدیک به دولت، از جمله استیو ویتکاف، چنین راینی‌هایی را برای تقویت نقش میانجیگرانه عمان تشویق کرده باشند». سیترونوویچ دیدار برنامه‌ریزی‌شده با جی‌دی ونس را دارای اهمیت ویژه دانست و به گفته او، ونس به‌تدریج به پلی میان دولت و پایگاه سیاسی جریان «ماگا» (MAGA) تبدیل شده و نفوذ او صرفا نهادهی نیست، بلکه سیاسی و گفتمانی است. از این رو، گفت‌وگوی مستقیم عمان با ونس می‌تواند تلاشی برای اطمینان از آن باشد که هر توافق احتمالی با ایران در چارچوب «بیروزی اهربردی» و همسو با شعار «اول آمریکا» تعریف شود، نه به عنوان عقب‌نشینی. از این منظر، پرونده ایران فقط یک مسئله هسته‌ای نیست، بلکه به مدیریت روایت سیاسی در داخل آمریکا نیز گره خورده است. در پاسخ به این پرسش که آیا هنوز امکان توافق وجود دارد، این تحلیلگر تأکید کرد: «چنین امکانی همچنان برقرار است، اما به دو شرط اساسی وابسته است: نخست آنکه مذاکرات صرفا بر پرونده هسته‌ای متمرکز بماند و به موضوعات منطقه‌ای یا موشکی تسری نیابد و دوم آنکه هر دو طرف انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به دوره‌های پیشین، از جمله مذاکرات ژنو، نشان دهند». به گفته او: «نشانه‌هایی از هم‌گرایی تدریجی دیده می‌شود، اما شکاف‌های مهم همچنان پابرجاست.»

### ترامپ و گزینه جنگ!

شبکه سی‌ان‌ان هم در گزارشی چنین تحلیل کرد که «دونالد ترامپ در حال تلاش برای نکه‌داشتن گزینه‌های خود در قبال ایران است، اما در عمل با محدودترشدن این گزینه‌ها مواجه می‌شود. چون پس از سومین دور مذاکرات در ژنو که با توافق برای برگزاری جلسه فنی دیگر طی روزهای پیش‌ش‌رو در وین پایان یافت، کاخ سفید باید ارزیابی کند که دیپلماسی مجدد امکان دستیابی به توافق را فراهم می‌کند یا نیاز به اقدام نظامی محدود یا گسترده وجود دارد». این شبکه ادامه داد: «از لحاظ نظامی، ایالات متحده بزرگ‌ترین تجمع نیروی هوایی و دریایی خود در منطقه قرار دارد. با این حال، این اقدام به معنای آمادگی برای جنگ طولانی یا تغییر حکومت نیست، زیرا هیچ نیروی زمینی قابل توجهی مستقر نشده و منابع برای یک کمپین وسیع کافی نیست.»

### خبر

### حادثه برای نماینده تاکستان؛ جزئیات حادثه چه بود؟

نماینده مردم تاکستان در مجلس شورای اسلامی جزئیات حادثه تیراندازی به خودروی خود را تشریح کرد. عباس بیگدلی، نماینده مردم تاکستان در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با ایسنا ضمن تشریح حادثه رخ داده بیان کرد: از مراسم ختم در حال بازگشت بودیم که یک موتورسیکلت دوفقره در کنار خودرو حرکت می‌کرد که صورت‌های‌شان را پوشانده بودند. داخل کوچه بودیم و نزدیک سه‌راه که رسیدیم، موتور ناگهان جلوی خودرو ایستاد. یکی از آنها اسلحه‌اش را بیرون آورد تا شلیک کند. او در ادامه اظهار کرد: با توجه به اینکه مشکوک بودند، حواسم به آنها بود. به راننده گفتم مراقب باشید، اسلحه و قصد شلیک دارند. راننده سریع گاز داد تا از کوچه خارج ششوم، اما آنها شلیک کردند که گلوله به خودرو اصابت کرد. در ادامه با یک خودروی نیسان برخورد کردیم، چون مسیر تقریبا بسته بود. به هر ترتیب از محل خارج شدیم. نماینده مردم تاکستان در مجلس با تأکید بر اینکه دستگاه‌های امنیتی و قضائی به موضوع ورود پیدا کردند، تصریح کرد: بنده از صبح در جلسه بودم و اکنون مطلع شدم که دو نفر مظنون بودند و در این زمینه دستگیر شده‌اند. او در ادامه در پاسخ به این پرسش که آیا انگیزه ضاربان مشخص شده است، افزود: فعلا چون موضوع در مرحله تحقیقات است، هدف آنها مشخص نیست. بررسی‌های بیشتر درباره ابعاد این حادثه ادامه دارد و نهادهای مسئول پیگیر موضوع هستند. خدا را شکر که بنده خوب و در خدمت مردم شریف حوزه انتخابیه هستم. صبح دیروز علی‌اصغر عسگری، دادستان قزوین، اعلام کرد: در پی وقوع تیراندازی با اسلحه شکاری به خودروی نماینده مردم تاکستان، عوامل این حادثه که اقدام به تیراندازی کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند. او در ادامه تأکید کرد: با هماهنگی ضابطان قضائی، این افراد در کمترین زمان ممکن دستگیر و برای آنها پرونده قضائی تشکیل شده است. دادستان قزوین با اشاره به اقدام شریف براساس بررسی‌های انجام‌شده، گفت: حادثه ماهیت تروریستی نداشته، گفت: این حادثه ادامه دارد.

## ناوکروه ۱۰۳ نیروی دریایی ارتش در منطقه سوم نداجا پهلوگرفت

ناوکروه ۱۰۳ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران پس از صد روز دریانوردی و پیمودن حدود ۱۳ هزار مایل دریایی، در منطقه سوم نیروی دریایی ارتش در کنار پهلو گرفت. ناوکروه ۱۰۳، متشکل از ناو بندر مکران و ناوشکن جمهوری اسلامی ایران نقدی مهدوی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از ابتدای آژرماده مأموریت خود را با هدف شرکت در رزمایش بین‌المللی «اراده برای صلح» در آفریقای جنوبی آغاز کرده بود، پس از صد روز و پیمایش ۱۳ هزار مایل دریایی در منطقه سوم کنار نداجا پهلو گرفت. ناخدا یکم عماد ژنادمردی، فرمانده ناوکروه ۱۰۳ نیروی دریایی ارتش، با اشاره به حضور موفق جمهوری اسلامی ایران در این رزمایش گفت: در این رزمایش ۹ کشور حضور داشتند و با وجود برخی تلاش‌ها برای جلوگیری از مشارکت ایران، ناوکروه ۱۰۳ توانست با اجرای دیپلماسی فعال دریایی، حضوری مقتدرانه و مؤثر در منطقه داشته باشد. او هدف اصلی از حضور در این رزمایش را برافراشته نگه‌داشتن پرچم جمهوری اسلامی ایران در آب‌های بین‌المللی و انتقال پیام صلح و دوستی ملت ایران به جهانیان عنوان کرد. فرمانده ناوکروه ۱۰۳ تأکید کرد: کارکنان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در دفاع از منافع و مرزهای آبی کشور هیچ‌گونه کوتاهی نخواهند کرد و تا پای جان از امنیت کشور دفاع می‌کنند. او در پایان با قدرانی از خانواده‌های کارکنان حاضر در این مأموریت گفت: صبر و حمایت خانواده‌ها نقش بسزایی در حفظ روحیه نیروها در طول مأموریت‌های طولانی‌مدت دریایی دارد و این موفقیت بدون همراهی و پشتیبانی آنان حاصل نمی‌شد.

۳۳امده در صفا۳



### یادداشت

## انرژی و پشت پرده پرونده هسته‌ای ایران

### مهدی عرب‌صادق

تحلیلگران انرژی و استراتژیست‌های امنیت ملی، پرونده هسته‌ای ایران را نه صرفا به عنوان یک چالش امنیتی، بلکه به مثابه یک بازی سه‌بعدی انرژی می‌بینند. هر حرکت در صفحه شطرنج هسته‌ای، موجی در بازارهای جهانی انرژی ایجاد می‌کند که از پمپ‌بنزین‌های آمریکا تا خانه‌های اروپایی و کارخانه‌های چینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این داستانی است از پیوند نامرئی میان سانتریفیوژهای طنز و میادین گازی پارس جنوبی، میان سالن‌های مذاکره در وین و اتاق‌های معاملات نفتی در نیویورک.

آنچه بسیاری نادیده می‌گیرند، این حقیقت استادی است: ایران تنها کشوری در جهان است که هم در باشگاه دارندگان چرخه کامل سوخت هسته‌ای حضور دارد، هم روی مخزن عظیم هیدروکربنی ۱.۵ تریلیون بشکه‌ای نفت و گاز نشسته و هم بر تنگه راهبردی هرمز اشرف دارد. این سه‌گانه بی‌نظیر، ایران را یک بازیگر معمولی انرژی به یک «ابر-بازیگر» تبدیل کرده که می‌تواند هم‌زمان در سه میدان هسته‌ای، گازی و ترانزیتی رقابت کند. اما دقیقا همین ویژگی است که غرب را دچار یک دوگانگی استراتژیک کرده: چگونه می‌توان با کشوری که می‌تواند هم بازار نفت را بی‌ثبات کند، هم نیاز گازی اروپا را تأمین کند و هم کریدور انرژی شرق به غرب را کنترل کند، تعامل کرد بدون اینکه به او اهرم بیش از حد داده شود؟

نگاه عمیق‌تر به استراتژی آمریکا نشان می‌دهد تحریم‌های هسته‌ای در واقع ابزاری برای کنترل ترموستات انرژی ایران بوده‌اند. مانند یک مهندس دقیق که دمای یک راکتور را تنظیم می‌کند، واشنگتن با تشدید یا تخفیف تحریم‌ها، جریان نفت ایران را بین ۵۰۰ هزار تا ۲.۵ میلیون بشکه در روز تنظیم کرده است. این کار نه‌تنها برای اعمال فشار سیاسی، بلکه برای مدیریت عرضه جهانی نفت انجام شده است. زمانی که عربستان یاناز به قیمت‌های بالاتر برای تأمین مالی طرح‌های عظیم اقتصادی خود دارد، آمریکا تحریم‌ها را سفت می‌کند. وقتی تورم انرژی به اقتصاد آمریکا آسیب می‌زند، مقداری درجه باز می‌شود. این بازی پیچیده، پرونده هسته‌ای را به یک اهرم تنظیم بازار انرژی تبدیل کرده است.

اسما عقی ماجرا از این هم فراتر می‌رود. در پشت پرده مذاکرات، یک نبرد دیگر در جریان است: نبرد بر سر آینده معماری انرژی جهان. چین با انعقاد توافق ۲۵ساله با ایران، چشم به منابع ازران انرژی این کشور دوخته است. روسیه می‌داند بازگشت کامل ایران به بازار گاز، سلطه چند دهه‌ای مسکو بر اروپا را به خطر می‌اندازد. قطر که هم‌اکنون بزرگ‌ترین صادرکننده گاز طبیعی مایع به اروپاست، نگران از دست دادن انحصار خود است و در این میان، آمریکا مشغول محاسبه سود و زیان استراتژیک است: آیا آزادشدن انرژی ایران به نفع واشنگتن است یا به ضرر آن؟

اجازه دهید با صراحت بیشتری به قلب این معما نگاه کنیم. صنعت شیل‌گاز آمریکا که در دهه گذشته انقلابی در بازار انرژی ایجاد کرد، امروز در قیمت‌های فعلی نفت به‌سختی توجیه اقتصادی دارد. بسیاری از چاه‌های شیل فقط با قیمت‌های بالای ۷۵ دلار در بشکه سودآور هستند. بازگشت نفت ایران به بازار می‌تواند قیمت‌ها را به زیر این مرز حساس برساند و ضربه سنگینی به این صنعت بزند. از سوی دیگر، مصرف‌کننده آمریکایی از قیمت‌های پایین‌تر بنزین استقبال می‌کند. اینجاست که تضاد منافع درون خود آمریکا آشکار می‌شود: لابی قدرتمند نفت شیل در تگزاس در برابر راندگان و صنایع انرژی‌بر در ایالت‌های صنعتی.

از نگاه اروپا، معادله حتی پیچیده‌تر است. پس از کاهش وابستگی به گاز روسیه در پی جنگ اوکراین، اروپا به قطر و آمریکا روی آورده است. اما گاز طبیعی مایع (LNG) آمریکا و قطر، گران‌تر از گاز خط لوله روسیه است. ایران با ذخایر گازی که ۱۷ در صد کل ذخایر جهان را تشکیل می‌دهد، می‌تواند جایگزین ارزان‌تری باشد. خط لوله صلح که از ایران به پاکستان و هند می‌رود و طرح‌های بالقوه برای اتصال به اروپا، رؤیایی است که سال‌هاست به تعویق افتاده. اما هر قدم به سمت توافق هسته‌ای، این رؤیا را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند.

نکته ظریف و کمتر اشاره‌شده، نقش انرژی ایران در رقابت آمریکا با چین است. یکن به‌شدت انرژی‌خو است و برای رشد اقتصادی خود به منابع مطمئن و ارزان نیاز دارد. ایران با موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد خود (دسترسی چین به خلیج فارس و هم به آسیای مرکزی) می‌تواند به مهم‌ترین شریان انرژی چین تبدیل شود. توافق ۲۵ساله ایران و چین که بر همکاری انرژی متمرکز است، برای واشنگتن کابوس است؛ زیرا نه‌تنها بازار انرژی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه جاده ابریشم جدید چین را تقویت می‌کند. بنابراین، پرونده هسته‌ای همچنین ابزاری است برای محدودکردن دسترسی چین به انرژی ارزان.

اما شاید جذاب‌ترین بخش ماجرا، بازی چندوجهی خود ایران باشد. تهران به خوبی می‌داند کارت انرژی را چگونه بازی کند. زمانی که مذاکرات به بن‌بست می‌رسد، تهدید به بستن تنگه هرمز مطرح می‌شود. وقتی فشار افزایش می‌یابد، خبر از کشف میدان گازی جدید یا پیشرفت در فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز منتشر می‌شود. ایران به‌وضوح نشان داده درک می‌کند انرژی فقط یک منبع درآمد نیست، بلکه یک ابزار ژئوپلیتیک قوی است. توسعه گذشته روابط با کشورهای مانند ونزولتا (با بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان) و حضور در اوپک، نشان از درک عمیق این بازی دارد که البته معادلات ونزولتا تغییر یافت با رایش مادورو و فعلا بگذریم.

حال به امروز نگاه کنیم: در دست در زمانی که اروپا با قیمت‌های بالا، نگرانی از قطعی گاز را پشت سر می‌گذارد و در حالی که چین به دنبال تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی خود است، مذاکرات هسته‌ای وارد مرحله حساسی شده است. این تصادفی نیست. زمان‌بندی در دیپلماسی انرژی اهمیت حیاتی دارد. آمریکا نیز از فشار تورم انرژی بر اقتصاد خود رنج می‌برد. این نقطه اوجی است که می‌تواند تاریخ انرژی جهان را تغییر دهد.

پیش‌بینی آینده همیشه پر از عدم قطعیت است، اما چند سناریوی محتمل را می‌توان ترسیم کرد. در سناریوی اول، توافق هسته‌ای منجر به بازگشت تدریجی ایران به بازار انرژی می‌شود. در این حالت، شاهد کاهش نسبی قیمت‌ها خواهیم بود، اما نه آن‌قدر که صنعت شیل آمریکا را نابود کند. ایران تبدیل به بازیگری مهم اما نه مسلط در بازار می‌شود. سناریوی دوم، ادامه وضع موجود است که در آن ایران از طریق شبکه‌های غیررسمی به صادرات ادامه می‌دهد، چین به شریک اصلی انرژی آن تبدیل می‌شود و غرب فرصت تاریخی خود برای تنوع‌بخشیدن به منابع انرژی را از دست می‌دهد. سناریوی سوم – و شاید محتمل‌ترین– یک توافق موقت است که به آمریکا اجازه می‌دهد همچنان کنترل خود بر ترموستات انرژی ایران را حفظ کند.

در پایان، باید به این حقیقت اعتراف کنیم که دیپلماسی هسته‌ای امروز بیشتر از همیشه در خدمت استراتژی انرژی است. هر چرخش سانتریفیوژ در نظر نه‌تنها بر موازنه امنیتی منطقه، بلکه بر قیمت بنزین در پمپ‌های ایلات متحده تأثیر می‌گذارد. هر دور مذاکره در آینده نه‌تنها درباره درصد غنی‌سازی، بلکه درباره درصد سهم ایران از بازار جهانی انرژی تصمیم می‌گیرد. این دیگر فقط یک پرونده هسته‌ای نیست؛ این یک بازی بزرگ انرژی است که آینده اقتصاد جهانی را شکل خواهد داد و در در این بازی، ایران نه‌فقط یک بازیگر، بلکه یکی از معدود کشورهایی است که می‌تواند قواعد بازی را تغییر دهد. این قدرت پنهان پشت میز مذاکره است که اغلب نادیده گرفته می‌شود. اما کسانی که در اتاق‌های جنگ انرژی واشنگتن، بروکسل و یکن نشسته‌اند، به خوبی از آن آگاه‌اند.

رشد ۲۰۲ درصدی قیمت طلا در یک سال گذشته، الگوی معاملات بازار را متفاوت کرد

# سقوط قدرت خرید سرمایه‌گذاران طلا

شرق: قیمت طلا در بازار تهران در مدت یک سال گذشته چیزی حدود ۲۰۲ درصد رشد داشته است. هر گرم طلای ۱۸ عیار در اسفند سال گذشته فقط حدود شش میلیون تومان قیمت داشت که درحال حاضر بهای آن به بیشتر از ۲۰ میلیون تومان رسیده است. اما این فشار سنگین رشد یکباره قیمت طلا، این بار اتفاق متفاوتی را در بازار طلا رقم زده است و حالا دیگر همان توان خرید سرمایه‌گذاران طلا هم به طور محسوسی کاهش داشته است؛ به طوری که نیاز به نقدینگی سبب سبقت فروش طلا از خرید آن شده است و به فاصله درخور توجه قیمت طلا بین بازار ایران و جهان رسیده است. موضوعی که حالا نگرانی برخی کارشناسان را برای افزایش قاچاق طلا به دنبال داشته است.

### رفار خریداران طلا متفاوت شد

رشد بیش از ۲۰۲درصدی قیمت طلا آن هم در حدود یک سال گذشته، این بار اما رفتار متفاوتی در بازار طلا و جواهر ایران رقم زده است. محمد کشتی‌آرای، رئیس پیشین اتحادیه کشوری طلا و جواهر، به «شرق» می‌گوید سطح قدرت خرید مردم و حتی سرمایه‌گذاران در بازار طلا به‌شدت کاهش داشته است، به طوری که این بار با جهش قیمت طلا، شاهد سیل هجوم خریداران سرمایه‌ای طلا نبوده‌ایم و حباب سکه به‌شدت کاهش یافته است. او تأکید می‌کند کاهش قدرت خریداران سرمایه‌ای سبب شده است حباب سکه ۲۰۰ میلیون تومانی درحال حاضر فقط به حدود سه میلیون تومان کاهش داشته باشد و شکاف قیمت بین طلا در ایران و بازار جهان افزایش داشته باشد. آیزاک سعیدیان، اقتصاددان، هم به «شرق» می‌گوید که درحال‌حاضر شکاف قیمت هر مثقال طلای ایران با بازار جهان به حدود ۶۳۰ میلیون تومان رسیده است و این یعنی اینکه بهای هر مثقال طلا در مرزهای ایران حدود ۶۳۰ میلیون تومان کمتر از بازار جهانی است و همین موضوع انگیزه قاچاق طلا را افزایش می‌دهد. او در ادامه با اشاره به اینکه این اختلاف قیمت بین طلا در بازار داخلی و خارجی چندان عادی به نظر نمی‌رسد، توضیح می‌دهد: «شکاف معنادار میان قیمت طلای داخلی و نرخ‌های جهانی، دیگر صرفا یک نوسان مقطعی یا فرصت آربیتراژ نیست؛ این شکاف به مجرای برای انتقال ثروت ملی به بیرون از چرخه رسمی اقتصاد تبدیل شده است. وقتی اختلاف قیمت به سطحی می‌رسد که قاچاق هر کیلوگرم طلا سودی نجومی ایجاد می‌کند، درواقع یک سیگنال خطر برای ساختارهای اقتصادی به صدا درمی‌آید؛ منابع در حال نشت هستند و پایه‌های ثبات مالی در معرض فرسایش قرار گرفته‌اند.»

### بانک مرکزی وارد ماجرا شود

سعیدیان تأکید می‌کند: «دراین‌میان، سکوت تامل‌برانگیز بانک مرکزی به عنوان نهاد ناظر و

رئیس اتحادیه فلوران رایانه:

## مردم نمی‌توانند لپ‌تاپ نوبخرند

نوسان قیمت دلار، محدودیت‌ها در ثبت سفارش و عامل جدید دیگری همچون افزایش جهانی قیمت قطعه، باعث شده مردم نتوانند کالاهای آتی همچون لپ‌تاپ را در بازار ایران بخرند.
محمدرضا فرجی‌تهرانی، رئیس اتحادیه فلوران رایانه، با تأیید افزایش قیمت انواع کالاهای بازار فناوری گفت: نوسان قیمت دلار، محدودیت‌ها در ثبت سفارش و عامل جدید دیگری همچون افزایش جهانی قیمت قطعه باعث شده مردم نتوانند کالاهای آتی همچون لپ‌تاپ را در بازار ایران بخرند. رئیس اتحادیه صنف فن‌آوران رایانه تهران با اشاره به اوج‌گرفتن واردات ملوانی لپ‌تاپ بیان کرد: به‌دلیل زمان‌بر بودن فرایند تخصصی ازن بخش قابل توجهی از واردات کالاهای آتی از مسیر ملوانی یا تلهنجی انجام می‌شود. در نتیجه، هنوز کالاهای ر بازار وجود دارد که با نرخ‌های جدید وارد نشده‌اند و این وضعیت موقتی است. او با اشاره به جهش قیمت لپ‌تاپ در بازار ایران به دیدبان ایران گفت: افزایش بهای جهانی قطعات، ناترازی عرضه و وابستگی واردات به مسیرهای غیررسمی باعث شده قیمت لپ‌تاپ حتی در صورت کاهش نرخ ارز نیز روند صعودی خود را حفظ کند، موضوعی که فشار مضاعفی بر مصرف‌کنندگان وارد کرده است.

فرجی تهرانی اظهار کرد: در حال حاضر ارزان‌ترین لپ‌تایی که در بازار قابل خرید است، در حدود قیمتی ۲۵ میلیون تومان است آن هم بدون امکانات خاص و صرفا برای انجام کارهای ابتدایی. این در حالی است که قیمت‌ها به‌طور مداوم در حال افزایش است و بازار با نوسانات جدی روبه‌روست. او برای نخستین‌بار به خریداران توصیه می‌کند چنانچه به کالای آتی مورد نیاز خود احتیاج دارند، خرید را به تعویق نیندازند، چراکه بخش زیادی از کالاهای موجود در بازار هنوز با نرخ ارز آزاد جدید تطبیق پیدا نکرده‌اند و مربوط به ثبت سفارش گذشته هستند. رئیس اتحادیه فلوران رایانه تهران عامل دیگر گرانی لپ‌تاپ و تجهیزات حوزه آی‌تی را افزایش جهانی قیمت قطعات می‌داند. فرجی تهرانی دراین‌باره به دیدبان ایران گفت: قیمت جهانی به‌ویژه حافظه‌های فلش، رم و هارد، به‌شدت در حال افزایش است. افزایش گسترده دیتاستسرها و توسعه شرکت‌های فعال در حوزه هوش مصنوعی باعث شده تقاضا از ظرفیت تولید پیشی بگیرد و همین موضوع فشار قیمتی شدیدی ایجاد کرده است.

رئیس اتحادیه صنف فلوران رایانه تهران با مقایسه منطقه‌ای کالاها میان ایران و امارات گفت: با وجود اینکه از گرانی قطعات صحبت می‌کنیم در حال حاضر قیمت لپ‌تاپ در بازار ایران حدود ۱۵ درصد پایین‌تر از بازار امارات است که به عنوان هاب تأمین منطقه‌ای ما شناخته می‌شود. اما این فاصله قیمتی پایدار نخواهد بود و به‌زودی تعدیل می‌شود.

فرجی‌تهرانی با اشاره به تأثیر نرخ ارز بیان کرد: افزایش قیمت فعلی ارتباط مستقیمی با نرخ ارز ندارد و بیشتر ناشی از رشد قیمت جهانی قطعات است. حتی چنانچه نرخ دلار کاهش پیدا کند، باز هم افزایش قیمت در بازار لپ‌تاپ خواهیم داشت؛ مگر اینکه دلار به‌طور ناگهانی حدود ۱۵ درصد افت کند که چنین سناریویی بعید به نظر می‌رسد. رئیس اتحادیه صنف فلوران رایانه تهران با اشاره به فروش اقساطی گفت: واحدهای صنفی کوچک امکان فروش اقساطی واقعی ندارند و این مسئله ناشی از ناتوانی بانک‌هاست که همکاری خود را به فروشگاه‌ها و پلتفرم‌های بزرگ محدود کرده‌اند. بررسی‌های ما نشان می‌دهد سودی که برخی فروشگاه‌های بزرگ در فروش اقساطی دریافت می‌کنند به‌حدی بالاست که مصرف‌کننده در عمل هزینه خرید دو‌سنگه لپ‌تاپ را پرداخت می‌کند. البته اتحادیه درباره ارائه تسهیلات با بانک‌ها وارد مذاکره شده‌اند و فعلا نیز در حال بررسی هستیم که آیا امکان اجرای این طرح وجود دارد یا خیر. امیدواریم با همکاری نظام بانکی کشور، شرایط بهتری برای خرید مصرف‌کنندگان فراهم شود.

## شرق



عکس: سعیدنکاتی، شرق

برابر قرار می‌دهد. بنگاه‌های قانونی که در چارچوب مقررات فعالیت می‌کنند، ناچارند با شبکه‌هایی رقابت کنند که از شکاف قیمتی و ضعف نظارت سود می‌برند. نتیجه، تضعیف بخش رسمی و گسترش فعالیت‌های غیرشفاف است. به گفته این اقتصاددان: «از منظر کلان، استمرار این شکاف به معنای انتقال سرمایه از تولید به سفته‌بازی و خروج سرمایه است. زمانی که بازده قاچاق با معاملات غیررسمی به‌مراتب بالاتر از فعالیت‌های مولد باشد، انگیزه سرمایه‌گذاری در تولید کاهش می‌یابد. این جابه‌جایی انگیزه‌ها، رشد اقتصادی را کند و اشتغال را تهدید می‌کند. اقتصاد به‌جای آنکه منابع خود را به سمت ارزش‌آفرینی هدایت کند، درگیر چرخه‌ای از سوداگری، ناطمینانی و فرار سرمایه می‌شود. همچنین نباید از اثرات ارزی این پدیده غافل شد. قاچاق طلا معمولا با جابه‌جایی منابع ارزی همراه است و می‌تواند فشار مضاعفی بر بازار ارز وارد کند. این فشار، انتظارات تورمی را تقویت می‌کند و خود به افزایش تقاضا برای دارایی‌های امن منجر می‌شود؛ چرخه‌ای که در نهایت به تعمیق شکاف قیمتی می‌انجامد. در چنین شرایطی، مسئولیت بانک مرکزی در مدیریت انتظارات و هم‌گرایی بازارها دوچندان می‌شود.»

سعیدیان همچنین توضیح می‌دهد: «بی‌تردید بانک مرکزی با محدودیت‌هایی در حوزه دسترسی به منابع ارزی و فشارهای بیرونی مواجه است، اما همین محدودیت‌ها ضرورت سیاست‌گذاری فعال، هماهنگی نهادی و ارتباط‌گیری شفاف با افکار عمومی را افزایش می‌دهد. اعتبار سیاست‌گذار، مهم‌ترین ابزار اوست. اگر فعالان اقتصادی احساس کنند نهاد ناظر در برابر انحرافات قیمتی بی‌تفاوت است، اعتماد تضعیف می‌شود و رفتارهای احتیاطی و سوداگرانه گسترش می‌یابد. نهادهای نظارتی و اجرایی نیز باید فراتر از برخوردهای مقطعی حرکت کنند. قاچاق گسترده محصول خلاهای ساختاری، چندگانگی نرخ‌ها و ضعف در هم‌افزایی میان دستگاه‌هاست. مقابله پایدار با این روند، نیازمند کاهش ریشه‌ای انگیزه‌های رانت‌جویانه، اصلاح سیاست‌های ارزی و ایجاد شفافیت در زنجیره مبادلات طلاست». بنا بر گفته این اقتصاددان: «در نهایت، مسئله طلا صرفا یک موضوع کالایی نیست؛ موضوع صیانت از منابع ملی و حفاظت از پایه‌های اقتصاد است. اگر شکاف قیمتی به‌سرعت مدیریت نشود و سکوت جایگزین اقدام شود، نه‌تنها ذخایر ارزشمند کشور، بلکه سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیز آسیب خواهد دید. جلوگیری از تاراج منابع، پیش از آنکه یک انتخاب سیاسی باشد، ضرورتی برای حفظ ثبات و آینده اقتصادی کشور است.»

ردیف	نوع آگهی	شماره آگهی	موضوع	مهلت ارسال مدارک
۱	مناقصه عمومی	۴۸۶۲۳۰۵۱	انجام بهسازی شیمیایی آبهای درگردش کلیه نواحی شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۴/۱۲/۱۸
۲	مناقصه عمومی	۴۸۶۳۵۲۲۱	انجام عملیات نگهداری، تعمیرات، بازسازی و بهینه سازی مجموعه سایت ۱۲۷ و ۱۲۸ نوشهر شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۴/۱۲/۱۸
۳	مناقصه عمومی	۴۸۶۳۳۸۸۷	برون سپاری نت باتری شارژر و UPS های فولاد مبارکه	۱۴۰۴/۱۲/۲۰
جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فراخوان های عمومی، ارزیابی کیفی، مناقصات و مزایدهات و وبسایت شرکت به نشانی <b>www.msc.ir</b> قسمت مناقصات مراجعه و طبق راهنمای موجود نسبت به انتخاب فراخوان مورد نظر اقدام نمائید. اطلاعات سایر فراخوان ها از طریق سایت شرکت و صفحه رسمی فراخوان های شرکت در شبکه های اجتماعی به نشانی <b>Ads_msc</b> @ یا شماره تماس های ۰۲۱۵۲۳۳۶۹۰ قابل دسترس می باشد.				
<b>۱۴۰۴-۵۵</b>				
<b>مدیریت ارتباطات و برند سازمانی گروه فولاد مبارکه</b>				

ردیف	نوع آگهی	شماره آگهی	موضوع	مهلت ارسال مدارک
<b>(( آگهی مناقصه عمومی ))</b>				
<b>شهرداری گرگان درنظر دارد نسبت به تهیه مصالح و انجام عملیات خاکبرداری و زیرسازی در سطح شهر (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد ) با مبلغ برآورد اولیه ۱,۴۷,۲۴۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال ( بدون تعدیل ) بر مبنای رسته کاری شرکت‌های دارای صلاحیت از محل کد پروژه ۴۰۸۱۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید ، لذا افراد و شرکت های واجدالشرایط می توانند از تاریخ ۰۹ / ۱۲ / ۱۴۰۴ لغایت مورخه ۲۵ / ۱۲ / ۱۴۰۴ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی <b>www.setadiran.ir</b> مراجعه نمایند.</b>				
<b>شناسه آگهی: ۲۱۴۰۵۱۶</b>				
<b>مجید طاهری – شهردار گرگان</b>				

نوبت دوم
شرکت نمایشگاه بین‌المللی استان اصفهان در نظر دارد عناوین زیر را از طریق مزایده عمومی به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید.
<p>۱- واگذاری منافع رستوران و آشپزخانه محل برگزاری نمایشگاههای بین المللی استان اصفهان</p> <p>۲- واگذاری منافع حمل و نقل بار سنگین محل برگزاری نمایشگاههای بین المللی استان اصفهان</p> <p>۳- واگذاری منافع کافی شاپ محل برگزاری نمایشگاههای بین المللی استان اصفهان</p> <p>۴- واگذاری منافع غرفه فروش بستنی در فضای باز محل برگزاری نمایشگاههای بین المللی استان اصفهان</p> <p>۵- واگذاری منافع حمل و نقل بار سبک محل برگزاری نمایشگاههای بین المللی استان اصفهان</p> <p>۶- واگذاری منافع هایبر محل برگزاری نمایشگاههای بین المللی استان اصفهان</p>

لذا کلیه پیمانکارانی که در این زمینه دارای رزومه فعالیت هستند، می‌توانند جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۴ لغایت ۱۴۰۴/۱۲/۱۳ با واحد مالی و قراردادهای شرکت واقع در اصفهان، کمربندی شرق، بزرگراه استاد پروش، شهرک نمایشگاهی اصفهان، ساختمان مرکز تجارت و بازاریابی مراجعه نمایند.
**آخرین مهلت تحویل پیشنهادات مزایده به واحد حراست: ۱۴۰۴/۱۲/۱۶**



### یادداشت

### علیه قرارداد اجتماعی

اسپینوزا باور دارد: «از آنجا که انسان‌ها، بیشتر تحت هدایت حال‌مایه‌ها هستند تا عقل، می‌توان نتیجه گرفت که انبوه خلق طبیعتا هماهنگ می‌شود و کوبی می‌خواهد تحت هدایت نفسی واحد باشد، نه تحت هدایت عقل بلکه تحت هدایت چند حال‌مایه‌مشترک؛ بیم‌مشترک، امید

مشترک یا اشتیاقی بی‌صبرانه برای گرفتن تقاص خسرانی مشترک». از همین‌جاست که ایده اساسی و درخشان اسپینوزا ظهور می‌کند؛ اگر انبوه خلق بر مبنای حال‌مایه‌ها یا به معنای دیگر تقلید در حال‌مایه‌های یکدیگر، جمعی را شکل می‌دهند که بیش از آنکه مبنای عقلانی داشته باشد مبتنی بر حال‌مایه‌های انسانی است، دیگر سخن‌گفتن از «قرارداد اجتماعی» آن‌گونه که هابز از آن سخن می‌گوید، چندان محل اعتنا نیست.
خاصه اینکه در جهان آشوب‌زده امروز که قرارداد‌های انسانی از سوی قدرت‌های جهانی به هیچ گرفته می‌شوند، استدلال اسپینوزایی برای گذر از «وضعیت طبیعی» که بشر پشت سر گذاشته و به تبع آن نهادهایی را برای صیانت از خود و دیگران بنیاد نهاده، منطقی‌تر به نظر می‌رسد و دیگر سخن‌گفتن از قرارداد اجتماعی وحی منزل نیست و می‌توان در بنیاد آن تردید کرد. بر اساس تفسیر الکساندر متزون، کناوتوس در طول حیات فکری اسپینوزا تحول پیدا کرده است. اسپینوزا در «رساله مختصره» کناوتوس را کوشش هر چیز برای پایدارماندن در وضعیتش و ارتقا به وضعیتي بهتر می‌داند. در این تعریف، کناوتوس آمیزه‌ای از ایستایی یعنی حفظ وضع موجود و پویایی یعنی عطش برای کام‌ور به کنار یکدیگر قرار می‌دهد. اما اسپینوزا در گذر زمان معنای این تعبیر را ارتقا می‌بخشد: «کناوتوس ما چیزی نیست جز ذات بالفعل ما، پایدارماندن در وجود» نه صرفا به معنای «نمردن»، بلکه به معنای تولید اثراتی که از طبیعت ما برمی‌آیند». به باور متزون، مفهوم کناوتوس در طول حیات فکری اسپینوزا تحول یافته و در راستای ادغام دو انگاره «صیانت نفس» و «نسبت نیروهای مولد» پیش رفته است و در نهایت این دو انگاره در انگاره فعلیت‌یافتن پیامدهای ذات ما با هم یکی می‌شوند. این کام‌ور به جلو چیزی نیست جز اینکه کناوتوس نه‌تنها پایداری در صیانت نفس است، بلکه در این وضعیت هم اثرپذیری دارد و هم اثرگذار است. در این رابطه متقابل، انسان‌ها مولدند و هستی آنان مستلزم نسبت‌داشتن با سایر نیروهاست. این اثرگذاری و اثرپذیری یعنی «توان عمل» توان عمل به معنای میدانی آن نیروهاست که قادرند یکدیگر را جذب یا دفع کنند و جذب حداکثری در زمانی که خطری بالقوه آنان را تهدید می‌کند یا آنان درصدد تغییری جدی در وضعیت زندگی خود هستند. با شتاب و شدت بیشتری رخ می‌دهد، که شاید بتوان آن را «لحظه تکین انقلاب‌ها» نامید.

**❖ برای نوشتن این یادداشت از کتاب « اسپینوزا، اخلاق، سیاست» نوشته الکساندر متزون، ترجمه عادل مشایخی، نشر چرخ استفاده شده است.**

### از خلع صلاح تا خلع صلاح

امروز اگر صحنه را با وقت بیشتری ببینیم، دوگانه فرآوری کشور نه دوگانه «جنگ» یا «صلح» بلکه دوگانه «جنگ» یا «تسلیم» است. اینکه برخی به‌اصطلاح روشنفکران یا مردم عادی امروز فکر می‌کنند با مداخله نظامی آمریکا و اسرائیل در ایران، طومار مصیبت‌ها و تیره‌روزی‌های ایرانیان به اتمام رسیده و قطار کشور بر روی ریل‌های توسعه و رشد اقتصادی قرار می‌گیرد، یک ساده‌اندیشی تاریخی غیرقابل پذیرش است. از عراق و افغانستان گرفته تا لبنان و سوریه در هیچ‌یک از این موارد هنوز بعد از چند سال با چند دهه، کشورها در مسیر ثبات اقتصادی و سیاسی حرکت نکردند و زخم‌های پنهان جامعه ناشی از دوقطبی‌ها و چنددستگی‌ها هم‌واره به نحوی از انحا بروز و ظهور کرده و بی‌ثباتی را تشدید یا بازتولید کرده است. امروز هدف آشکار آمریکا و اسرائیل، «خلع صلاح» ایران است. اما نکته ظریف اینجاست که برای رسیدن به وضعیتي که اکمیت کشور به بزرگی و عظمت ایران در تنگنای کرکرنی‌ها «خلع صلاح» قرار بگیرد، در همه این سال‌ها یک جنگ ترکیبی پیچیده و کاملا نامحسوس علیه ایران (جز از سوی دشمن خارجی و از سوی منفعت‌طلبان ومافیای داخلی) طرح‌ریزی شده بود تا حکمرانی در کشور متأثر از به‌کارگیری تاکتیک‌های پیچیده عملیات روانی، جنگ شناختی و خطاهای محاسباتی و تحلیلی، ابتدا «خلع صلاح» شده و همه منابع، و «دانی» که می‌توانست مصروف ساختن یک «ایران قوی» در منطقه شود، با القائات اشتباه و آدرس غلط دادن‌ها، برهم‌زدن نظام محاسباتی تصمیم‌گیران و تشخیص نادرست منفعت و مصلحت ملی در سیاست‌گذاری‌ها، واقع‌ه‌نگذاری‌ها، برنامهریزی، بودجه‌ریزی و… را خود به دست خود در مسیری پیش‌بردد که قطار کشور از روی ریل‌های توسعه منحرف شود. خلع صلاح در کشور چیزی شبیه سیمان‌ریختن به قلب راکتور عقلانیت‌کشور‌داری یا شلیک بمب الکترومغناطیسی برای از کارآفادن دستگاه تحلیلی و محاسباتی تشخیص اولویت‌ها، منافع و مصالح بود. اینکه چرا کشوری با برخورداری از بیشترین منابع نفت و گاز در جهان، در وانفاسی ناترازی انرژی به‌شدت دست‌وپا می‌زند و به‌جای متنوع‌سازی سبد انرژی خود از طیف متنوعی از انرژی‌های تجدیدپذیر و در دسترس، همچنان روی تولید برق از انرژی‌های کمتر قابل دسترس تمرکز کرده، یکی از همین موارد است. یا درست فهم‌نشدن مقوله «استقلال» در کشور که بر وجه سیاسی آن صحیح و مقبول ولی در وجه اقتصادی آن در جهان شکی‌های و درهم‌تنیده‌ای که از زنجیره‌های ارزش و تولید مبتنی بر مزیت و رقابت بنا نهاده شده است، غلط و پرخسارت بود، از دیگر نمونه‌های ملموس خلع صلاح کشور در تحقق ایران قوی به هم شمار می‌رود. شاید چند دهه یا قرن دیگر وقتی بخواهند تاریخ از روزهای خلع صلاح و روایت کنند، این گزاره یک خطی را درباره ایران وایرال کنند که «ایران بهشت جغرافیا ولی زندان سیاست بود».

### هیچ نبردی، آخرین نبرد نیست

… می‌شد چنین تصور کرد که اصولگرایی و اصلاح‌طلبی از ساختار کنار گذاشته می‌شوند و جماعتی دیگر جای آنها را می‌گیرند که چنین هم شد و گروهی که نه اصولگرا بودند و نه اصلاح‌طلب، بلکه با نام راست افراطی شناخته می‌شدند، ساختار را در دست گرفتند و سر ایزورسیونی که امید به

براندازی داشت، بی‌کلاه ماند و در عوض، با تلاش شبانه‌روزی برای جالاندختن آن شعار در جامعه، فقط جاده‌صافکن آثانی شدند که شاید طراحان اصلی این شعار بودند. به‌واقع، وقتی دقیقا معلوم نیست که هدایت‌یک حرکت جمعی را چه تفکری بر عهده دارد، در شور و غلبان عواطف و احساسات، می‌توان هیجانات جمیعت را به هر سویی سوق داد و در این میان، مردم هیجان‌زده، فقط تبدیل به ابزارى در دست آنهایی می‌شوند که بی‌نام و نشان، به جهت‌دادن مسیر احساسات و هیجان مشغول‌اند. واقعیت این است که در موقع خشم و عصیبت، حتی عاقل‌ترین و صاحب اندیشه‌ترین افراد نیز ممکن است به‌راحتی بازیچه دیگران شوند. ماجرای آن شعار وقایع ۹۶ آبان نیز همین است و گذر زمان هم نشان داد دقیقا آن شعار تحقق یافت، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان کارشان تمام شد، ولی ایزورسیون‌دستان‌ها به هیچ سببی برای چیدن نرسید و فقط مسیر را برای راست افراطی هموار کردند. به عبارتی «دیگه تمومه ماجرا»، تحقق یافت ولی نه از آن سنخى که ایزورسیون آرزوش را داشت. جالب می‌دانید چیست؟ آن دو تجمعی که شعار فوق در آن داده شد، یکی تجمع دانشجویان دانشگاه تهران بود و دیگری تجمع مردم عادی در خیابان‌های بندرعباس و آن‌طور که گفته می‌شود، هر دو در یک شب با فاصله‌ای بیش از هزار کیلومتر، واقعا جالب نیست؟ در دو تجمع با این همه فاصله، چگونه و به‌ناگهان یک شعار مشابه ساخته می‌شود؟ مگر اینکه به همان جواب معاون اول دولت وقت برگردیم که آن اعتراضات را دست‌ساز دانسته بود. ما انسان‌ها از رویه‌ها داریم، همه ما و تشابه‌مان در داشتن آرزو‌انکار‌ناپذیر است، مشکل آنجاست که وقایع و رخدادها را از پنجره آرزوهایمان نگاه کنیم، آن‌وقت است که بسیار راحت می‌توان خیال را به ما فروخت. اینکه یک روز به دنبال خیال «دیگه تمومه ماجرا» بدویم و روز دیگر خیالی برلمان بسازند که «این آخرین نبرده» و به دنبال توهم آن بدویم. توهم و خیالی که دیگران برلمان می‌سازند و ما معامله بی‌جیره و مواجبتان می‌شویم. در زندگی واقعی، نه هیچ ماجرای تمام می‌شود و نه هیچ نبردی، تمام نمی‌شود. ما انسان‌ها، وسط تاریخ به دنیا می‌آیم و وسط تاریخ هم از دنیا می‌رویم. خیلی هنر کنیم این است که این وسط به اراده خود بازی کنیم، نه اینکه در وسط داستان تاریخ، بازیچه بازیگردانان شویم. حواسمان باشد که هیچ نبردی، آخرین نبرد نیست.

شرق: کاسه صبر اسلام‌آباد در برابر متحدان ایدئولوژیک

پیشین خود سرانجام لبریز شد و غرش جنگنده‌ها بر فراز کابل و قندهار جای دیپلماسی را در مرزهای م تلاطم بر کرده است. در این میان گزارش‌های غیررسمی از کشته‌شدن هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان افغانستان، حکایت می‌کند. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، روز گذشته در یک پیام شبکه اجتماعی با اعلام اینکه صبر ما تمام شده است، تایید کرد اکنون یک جنگ تمام‌عیار میان پاکستان و افغانستان جریان دارد. این اعلام پس از آن صورت گرفت که ارتش پاکستان در واکنشی همه‌جانبه به حملات اخیر شبه‌نظامیان، مواضع مرزی و مخفیگاه‌های طالبان در داخل افغانستان را هدف قرار داد و برای نخستین‌بار، کابل پایتخت این کشور نیز زیر آتش مستقیم رفت. به گفته سخنگوی رژیم طالبان در شبه‌نظامیان، بلکه خود رژیم حاکم بر افغانستان را هدف قرار داده است. در پی این حملات، پاکستان در شهرهای بزرگ خود از جمله اسلام‌آباد، پایتخت، وضعیت هشدار سطح بالا اعلام کرد تا در برابر حملات احتمالی آماده باشد. اسلام‌آباد سال‌هاست مقامات کابل را برای توقف حملات نیروهای افغان و گروه تحریک طالبان پاکستان تحت فشار قرار داده است. این گروه شبه‌نظامی در آن سوی مرزها مستقر است. به گفته مقامات پاکستانی، آنها عامل اصلی موج فراینده نامان‌ها در داخل پاکستان از زمان تسلط طالبان بر افغانستان در سال ۲۰۲۱ هستند. کابل همواره این اتهامات را رد کرده و امنیت پاکستان را یک مسئله داخلی می‌داند.

### بازی کابل

حسین حقانی، کارشناس ارشد مؤسسه هادسون و سفیر پیشین پاکستان در ایالات متحده که با روبرتز گفت‌وگو کرده، معتقد است این جنگ نشان‌دهنده عمق استیصال این کشور از رژیم طالبان است. او تأکید می‌کند این وضعیت قطعی یک تنش افراطی است. دستگاه محاسباتی اسلام‌آباد تصور می‌کرد پس از تسلط طالبان، نفوذ بالایی در افغانستان خواهد داشت. در عمل اما کابل در مسیری متضاد گام برداشت و برای تعمیق روابط با رقیب دیرینه پاکستان یعنی هند، تلاش کرد. این ناامیدی، ماه گذشته به اوج رسید. افغانستان نخستین فرستاده دیپلماتیک خود به هند پس از روی کار آمدن طالبان را منصوب کرد؛ اقدامی که خشم و سرخوردگی عمیقی را به اسلام‌آباد رقم زد. هفته گذشته پاکستان اعلام کرد حملات هوایی تازه‌ای را علیه اردوگاه‌های شبه‌نظامیان در داخل خاک افغانستان انجام داده است.



### تبعات چرخش افغانستان به سمت هند و کمک به گروه‌های تروریستی مخالف «اسلام‌آباد»

# اعلان جنگ پاکستان به کابل

### سرنوشت مهم‌ربر طالبان افغانستان

به گفته مقامات امنیتی پاکستان، این حملات شخص هبت‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان پاکستان را هدف قرار داده بود. گزارش‌های غیررسمی حاکی از آن است که هبت‌الله آخوندزاده به همراه فرماندهان ارشد طالبان در حملات هوایی پاکستان به مقر این گروه کشته شده‌اند. این گزارش‌ها هنوز به طور رسمی تایید نشده‌اند. پیش از این و در سال‌های گذشته نیز گزارش‌هایی درباره کشته‌شدن آخوندزاده منتشر شد اما هیچ‌کدام به طور رسمی تایید نشده بود.

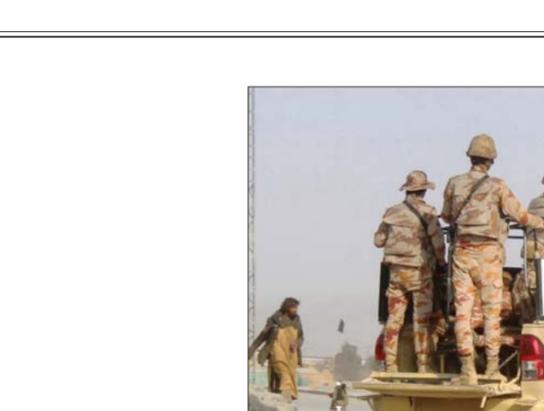
حملات اخیر، گسترده‌ترین درگیری‌ها از ماه اکتبر ۲۰۲۵ تاکنون محسوب می‌شود. در آن زمان دو کشور وارد هفته‌ها درگیری مرگ‌بار مرزی شدند که در پی حملات هوایی پاکستان در کابل آغاز شده بود. پیش از این دو کشور با میانجیگری قطر، ترکیه و عربستان سعودی به یک آتش‌بس دست یافته بودند، اما مذاکرات صلح بعدی بدون دستیابی به هیچ توافق بلندمدتی پایان یافت. در حال حاضر و در کنار حملات هوایی، درگیری‌های زمینی در بخش‌های متعددی در امتداد مرز دوهزارو ۶۰۰ کیلومتری دو کشور در جریان است.

در سلسله حملات از سوی هر دو طرف، ده‌ها غیرنظامی و سرباز جان خود را از دست داده‌اند. حسین حقانی پیش‌بینی می‌کند جنگ بلندمدت و تمام‌عیاری میان دو کشور درنخواهد گرفت. او می‌گوید پاکستان به احتمال زیاد به درگیری‌های مرزی و حملات هوایی بیشتر ادامه می‌دهد. در حالی که کابل ممکن است حملات شبه‌نظامی بیشتری را در داخل قلمرو پاکستان سازماندهی کند. حقانی می‌افزاید می‌توانم تصور کنم رهبران طالبان با لفاظی‌های شدیدتر پاسخ و خود را در وضعیت جنگی‌تری قرار دهند.

طالبان مدعی است حملات تلافی‌جویانه‌ای را علیه تأسیسات نظامی پاکستان انجام داده است. هر دو طرف از تلفات سنگینی خبر می‌دهند؛ آمارهایی که روبرتز قادر به تایید مستقل آنها نبوده است. مشرف زیدی، سخنگوی دولت پاکستان، در شبکه اجتماعی ایکس نوشتن این عملیات پاسخی به حملات تحریک‌ننده افغان‌ها بوده است. او افزود ۱۳۳ جنگجوی طالبان افغان کشته و بیش از ۲۰۰ نفر زخمی شده‌اند. ۲۷ پاسگاه ویران و ۹ پاسگاه تسخیر شده است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در مقابل مدعی شد ۵۵ سرباز پاکستانی کشته و ۱۹ پاسگاه تسخیر شده‌اند. او همچنین گفت در ولایت ننگرهار هشت جنگجوی طالبان کشته، ۱۱ نفر زخمی و ۱۳ غیرنظامی مجروح شده‌اند. دولت کابل و سازمان ملل متحد پیش‌تر اعلام کرده بودند حملات هوایی به کشته‌شدن ۱۳ غیرنظامی انجامیده است.

### نبرد پهپادها

طالبان هشدار داده است پاسخی قوی خواهد داد. وزارت دفاع این گروه روز گذشته اعلام کرد با استفاده از پهپادها، حملات هوایی موفقیت‌آمیزی را علیه اهداف نظامی در



پاکستان انجام داده است. عطاالله تارار، وزیر اطلاع‌رسانی پاکستان، با تکذیب این موضوع گفت این حملات توسط شبه‌نظامیان طالبان پاکستان انجام شده است. او تأکید کرد تمامی پهپادها توسط سیستم‌های ضدپهپاد ارتش بدون آسیب جانی سرنگون شده‌اند. ویدئوهای به اشتراک گذاشته‌شده توسط مقامات امنیتی پاکستان، فلاش‌های نور در شب از شلیک‌های مرزی و صدای توپخانه سنگین را نشان می‌دهد.

رویترز مکان یک ویدئو از حملات به کابل را تایید کرده است. این ویدئو ستون‌های غلیظ دود سیاه از دو سایت و آتش‌سوزی مهیبی در بخشی از پایتخت را نشان می‌دهد. تمیم یک راننده تاکسی در کابل می‌گوید خواب بوده که صدای هواپیما را شنیده و سپس به انبار مهمات حمله شده است. او روایت می‌کند: از خواب پریدیم، هواپیما آمد و دو بمب انداخت و دور شد. پس از آن صدای انفجارهایی را شنیدیم. همه در وحشت از طبقه دوم خانه به پایین دویدند و مهمات داخل انبار مدام منفجر می‌شد. شاهدان در کابل از شنیده‌شدن صدای آژیر آمبولانس‌های متعدد پس از انفجارهای مهیب خبر دادند.

در عرصه دیپلماتیک، گزارش‌ها حاکی از تلاش روسیه، چین، ترکیه و عربستان سعودی برای میانجیگری است. وزارت خارجه قطر با صدور بیانیه‌ای حملات در پاکستان را محکوم و با قربانیان ابراز همدردی کرد. این حرکت پس از سفر شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در اوایل هفته انجام شد. ایران نیز که با هر دو کشور هم‌مرز است، پیشنهاد تسهیل گفت‌وگوها را ارائه داده است. بر اساس بیانیه وزارت خارجه ایران، این پیشنهاد در شرایطی مطرح می‌شود که تهران مشغول مذاکرات مهم با واشنگتن برای حل مناقشه هسته‌ای و جلوگیری از حملات جدید ایالات متحده است و روز پنجشنبه دور جدید مذاکرات در ژنو را بدون توافق به پایان رساند. پاکستان یک قدرت هسته‌ای با توان نظامی بسیار برتر از افغانستان است. با این حال، طالبان در جنگ چریکی مهارت دارد و دهه‌ها پیش از بازگشت به قدرت در سال ۲۰۲۱، در نبرد بسا نیروهای تحت رهبری ایالات متحده آپ‌دهی‌تر شده است. مقامات پاکستانی در احتمال افزایش حملات در مراکز شهری ابراز نگرانی کرده‌اند. دولت ایالت پنجاب روز گذشته برای مقابله با این حملات در وضعیت آماده‌باش قرار داشت. آنها در یک‌سری عملیات امنیتی، ۹۰ شهروند افغان را برای اخراج به مراکز نگهداری منتقل کردند. خبرگزاری باختر در ولایت ننگرهار، نیز تصویری از یک گردان مهاجمان انتحاری منتشر کرد. این رسانه به نقل از یک منبع امنیتی افغان گزارش داد این بمب‌گذاران با جلیقه‌های انفجاری و خودروهای بمب‌گذاری شده، آماده حمله به اهداف اصلی هستند.

### گزارش

### پاکسازی در هسته دفاعی چین

شرق: ماشین تصفیه حزب کمونیست چین در آستانه نشست سالانه کنگره، ۱۹ عضو ارشد از جمله ۹ فرمانده نظامی را اخراج کرد. این پاکسازی گسترده که معمولا با برجسب تحقیقات فساد انجام می‌شود، نشان‌دهنده هراس پکن از ریزش وفاداری در ساختار قدرت است.

کمیته دائمی مجلس فرمایشی چین در بیانیه‌ای دیرهنگام حکم اخراج ۱۹ نماینده را درست یک هفته پیش از آغاز به کار کنگره ملی خلق صادر کرد. در این فهرست تسویه، نام ۱۹ افسر عالی‌رتبه ارتش به چشم می‌خورد که نشان از تمرکز ماشین سرکوب شی جین‌پینگ بر ساختار نیروهای مسلح دارد. اگرچه دلیل رسمی این برکناری‌ها در اعلامیه روز پنجشنبه بیان نشده است، اما چنین اخراج‌هایی عموما به تحقیقات درباره فساد گرهِ خورده‌اند. نشست تشرفیاتی کنگره که قرار است از پنجشنبه آینده به‌مدت یک هفته برگزار شود، تنها ماشین امضای تصمیماتی است که پیش‌تر توسط حزب کمونیست حاکم گرفته شده است و این برکناری‌ها تأثیر عمده‌ای بر روند آن نخواهد گذاشت.

ابعاد این پاکسازی نظامی به بالاترین سطوح تصمیم‌گیری امنیتی پکن رسیده است. در میان افسران برکنارشده، دو مقام ارشد از زیرمجموعه کمیسیون مرکزی نظامی، یعنی عالی‌ترین نهاد دفاعی چین حضور دارند. این موج تسویه، فراتر از آن، نمایندگانی از نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی و به‌طور ویژه نیروی موشکی را در بر گرفته است. سه نفر از این اخراجی‌ها ژنرال هستند. نیروی موشکی که کنترل مستقیم بر زرادخانه هسته‌ای چین را در دست دارد. از نخستین اهداف کارزار تسویه نظامی بوده است. این تحولات میدانی نشان می‌دهد شی جین‌پینگ در چهاردهمین سال سلطه بلامنازع خود، همچنین به حذف رقبای پنهان و تضمین وفاداری زیردستان خود نیاز دارد. تحلیلگران معتقدند این کارزار، ابزاری کلیدی برای حفظ قدرت تک‌صدایی اوست.

تاریخچه ماشین تسویه در ارتش آزادی‌بخش خلق، کارنامه‌ای تاریک از ناپدیدشدن‌های قهری است. کارزار به‌اصطلاح ضدفساد شی جین‌پینگ که بیش از یک دهه از آغاز آن می‌گذرد، بدون هیچ نشانه‌ای از توقف در پیش می‌رود. ارتش چین در سال‌های اخیر به شکل ویژه‌ای هدف این حملات بوده است؛ روندی که ماه گذشته با برکناری عالی‌ترین ژنرال نظامی این کشور به اوج رسید.

طی هفته‌های اخیر، گمانه‌زنی‌ها درباره سرنوشت دو نفر از عالی‌رتبه‌ترین مقام‌های نظامی چین، ژانگ یووشیا» و لیو ژن‌لی»، پس از برکناری ناگهانی آنها از قدرت، شدت گرفته است. وزارت دفاع چین اعلام کرد مقام‌ها در حال تحقیق درباره این دو نفر هستند و آنها را به «نقض‌های جدی انضباط و قانون» متهم کرد. ساختار نظامی پکن در حالی درگیر عمیق‌ترین بحران بی‌اعتمادی داخلی است که رهبر چین ادعای تلاش برای اصلاح و مدرن‌سازی نیروهای مسلح را دارد. این تناقض آشکار ثابت می‌کند سیستم‌های بسته کمونیستی نمی‌توانند با تزریق بودجه، کارآمدی بخزند و فقط به شبکه‌های رانت پردازش می‌دهند.

تیغ این تسویه‌ها فقط به یونیفرم‌پوشان محدود نمانده است. کمیته دائمی مجلس که گروهی کوچک‌تر و قدرتمندتر از نمایندگان است و به صورت دوره‌ای در طول سال برای تصویب قوانین تشکیل جلسه می‌دهد، پیش از کنگره هفته آینده، مقامات غیرنظامی را نیز هدف قرار داد. این کمیته، رئیس دادگاه نظامی و همچنین وانگ شیانگشی، وزیر مدیریت اضطراری را از کار برکنار کرد. مقامات دولتی ماه گذشته تایید کرده بودند وانگ تحت یک بازجویی مرتبط با فساد قرار دارد. سایر نمایندگان اخراج‌شده، نمایندگان منطقه‌ای از چندین استان بوده‌اند. با این حذف‌های ساختاری، اکنون تعداد اعضای کنگره ملی خلق به دوهزارو ۸۷۸ نفر کاهش یافته است.

در روزهای اعتراضی، مطالبه اکثریت جامعه روشن‌کردن یا روشن شدن نسبیت افراد یا فجایع و رویدادها و موضع‌گیری ا‌ست، نه تحلیل؛ اما جز با تحلیل علمی و درست نمی‌توان دربارهٔ رویدادها به‌درستی سخن گفت. اغلب بدون تحلیل درست، برخی از کارها موجه جلوه می‌کند یا برخی کنش‌ها غافلگیرکنام می‌کند.»زیستسن یا فلسفه دلگک‌ها: تأملی بر دگرگونی معرفت‌شناختی نوجوانان ایران با تأکید بر دهه‌هشتاد‌های نام کتابی است نوشته‌شده علی اصغر سیدآبادی که نشر اگر آن را در ۲۲۲ صفحه منتشر کرده است. این کتاب حاصل پژوهشی است با همکاری مؤسسه رحمان، ذیل مجموعه پژوهش‌هایی درباره اعتراضات ۱۴۰۱. نویسنده نوشتن این کتاب را از سال ۱۴۰۱ شروع کرده و تا ۱۴۰۳ طول کشیده است.کتاب دو بخش دارد. در بخش اول کتاب با ارجاع به مطالعات بین‌المللی دربارهٔ مرزهای نوجوانی بحث شده. همچنین با بررسی عنوان پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های منتشرشده در ایران درباره نوجوانان به نقد نگاه دانشگاه در ایران به نوجوان و نوجوانی پرداخته شده و گزارشی از مطالعات نسلی و کتاب‌ها و پژوهش‌های مهم ارائه شده است. در بخش دوم با استناد به گفت‌وگو با ۲۵۰ نوجوان دختر و پسر در شهرها و روستاهای مختلف ایران و داده‌ها معتبر پیمایش‌های ملی درباره نگاه نوجوانان به خودشان، خانواده، دین، ایران، سیاست، سلبریتی‌ها، رسانه و کنش‌های داوطلبانه، مطالبی نوشته شده است. اهمیت کتاب در این است که ما داده معتبر و قابل اعتنای ملی درباره نوجوانان داریم. تقریباً جمعیت آمار‌ی همه پیمایش‌های ملی (جز موارد معدود) افراد بالای ۱۵ و گاه بالای ۱۸ سال است و در آن دسته از پیمایش‌ها که افراد ۱۵ساله هم مورد پرسش قرار می‌گیرند، برش نوجوانان این پیمایش‌ها به‌ندرت استخراج و تحلیل می‌شوند. عنوان کتاب برگرفته از مقاله‌ای است از لشک کولاکوفسکی که فلسفه دلگک‌ها و فلسفه کاهن‌ها را دو فلسفه عمده می‌داند و معتقد است فلسفه کاهن‌ها، فلسفه حفظ وضع موجود یا نظم موجود با سنت موجود است و برایش بنیادهای محکمی وجود دارد که می‌خواهد از آن حفاظت کند، ولی فلسفه دلگک‌ها زیرپروکننده بوده و علیه این نظم است. به نظر نویسنده حتی کسانی که با فلسفه کاهن‌ها زندگی می‌کنند، به نگاه انتقادی کسانی که با فلسفه دلگک‌ها زندگی می‌کنند، نیازمندند. آن اصلاح‌کننده این است؛ شیوه زندگی آینه‌ای است رویه‌روی ما تا در خودمان بازنگری کنیم. شیوه زندگی آنها مدام به ما یاد آوری می‌کند که آنچه به آن جسم‌نویسند و خیال می‌کنید بنای مستحکمی است، الزاما خیلی محکم نیست یا خیلی جسیبدینی نیست یا اگر جسیبدینی هم هست، برای خودتان خوب است و باید بنگذارید ما هم بنای خودمان را برپا کنیم. نویسنده می‌گوید: اگر نوشتن کتاب و گفت‌وگو با آنان به درازا می‌کشید. حتماً فصلی درباره حضور نوجوانان در اعتراضات اخیر به آن می‌افزود. آنچه در پی می‌آید، همین فصل است که در قالب مقاله‌ای جداگانه ارائه کرده است.

- 
- 
- 

**دگرگونی معرفت‌شناختی دهه هشتاد‌ها**

دگرگونی دهه‌هشتاد‌ها به‌تدریج و در روندی طولانی شکل گرفته و دنیای بزرگسالان را نیز تحت تأثیر بار داده و ضمن حفظ تفاوت‌ها آنان را به نوجوانان نزدیک‌تر کرده است. بنابراین تحول نوجوانان را صرفاً ذیل «شکاف نسلی» یا «شکاف ارزشی» نمی‌توان فهمید؛ آنچه در حال وقوع است، پیش از هر چیز حاصل دگرگونی معرفت‌شناختی است. تفاوت بنیادین در شیوه شناخت، دآوری و تفسیر جهان میان نسل نوجوان امروز و نسل‌های بزرگسال. دگرگونی معرفت‌شناختی زاینده شرایطی پیچیده است که برخی از عوامل آن را می‌توان چنین برشمرد:

**۱. تحول خانواده ایرانی:** خانواده ایرانی از مدل پدرسالار-کنترل‌گر به مدل

مدنی-حامی تحول پیدا کرده است. نوجوانان امروز در خانواده‌هایی بزرگ می‌شوند که -با همه تفاوت‌ها- پیش از گذشته به صدای آنها گوش می‌دهند، در تصمیم‌های مهم به آنها مجال اظهارنظر می‌دهند

و در دگرگیری‌های نوجوان با مدرسه و نهادهای رسمی، اغلب در کنار فرزند می‌ایستند. این تجربه «شنیدشدن» و «شهره‌اند بودن در خانواده» معیار جدیدی برای نوجوان می‌سازد که در مدرسه و دانشگاه و جامعه و سیاست‌های رسمی نیز چنین مطالبه‌ای داشته باشد که اغلب بی‌بأسخ می‌ماند.

**۲. انفجار ارتباطات دیجیتال و جهان شبکه‌ای:** دهه‌هشتاد‌ها نخستین نسل ایرانی‌اند که از کودکستان دبیبرستان، هم‌زمان در دو جهان زیسته‌اند: جهان فیزیکی و جهان مجازی. آنها از همان سال‌های ابتدایی، با-تجربه «خبرهای متناقض»، «روایت‌های متعارض» و «منابع متکثر» بزرگ شده‌اند و ناخواسته، به شکل‌های ابتدایی از سواد رسانه‌ای و «خرد

انتقادی جمعی» مجهز شده‌اند. این تجربه شبکه‌ای، با مدل تک‌روایتی و تفکرمرجعی نهادهای رسمی در تعارض است. از سوی دیگر، ویژگی‌های منفی خود را نیز دارد که در بررسی‌های انتقادی به آنها اشاره شده است.

**۳. تجربه‌های شکست‌خورده سیاسی نسل والدین:** بسیاری از والدین دهه‌هشتاد‌ها، متولد دهه‌های ۵۰ و ۶۰ هستند که کودکی‌شان در جنگ، نوجوانی‌شان در موج امید اصلاحات و جوانی‌شان در دوره‌های ناگامی‌های سیاسی گذشته است. این نسل، تصویری متناقض از سیاست و تجربه‌توانی متغیر کرده است: از یک سسو، خوارشده امید و مشارکت و از سوی دیگر، تجربه شکست و بی‌نمردن مشارکت. نوجوان امروز، روی این خاکستر، شکل تازه‌ای از «سیاست‌ورزی مشکوک» را بنا می‌کند: حساس به بی‌عدالتی، اما بی‌اعتماد به ساختارها و چهره‌های رسمی

سیاست.

**۴. آموزش‌های متنوع و بیرون‌مدرسه‌ای:** فراگیری زبان‌های خارجی، دسترسی به منابع آموزشی برخط، کلاس‌های خصوصی، دوره‌های آنلاین و شبکه‌های خودآموز، طیفی از «آموزش‌های موازی» را در کنار نظام رسمی ساخته‌اند. نوجوان امروز می‌بیند که می‌تواند بسیاری از مهارت‌ها و دانسته‌هایش را خارج از مدرسه و گاه در تعارض با آن به دست بیاورد؛ این تجربه، اقتدار معرفتی مدرسه و نهاد رسمی را به چالش می‌کشد.

**۵. تجربه تنوع:** تجربه تنوع این نسل را -شاید پس از هزاران سال- از دوگانه‌باوری در سیاست و باورها و جامعه به نسلی روادارتر تبدیل کرده است. این رواداری صرفاً رواداری اخلاقی و حقوقی نیست به دیگران نیست، بلکه نوعی رواداری معرفتی است. فهم آنها از پدیده‌ها دچار تغییر شده است. همین تغییر آنها را سهل‌گیرتر و دگرپذیرتر کرده و نگرش‌شان به ایران را نیز دچار دگرگونی کرده است. آنها پیش از این چیز ایران را زیست‌بومی جغرافیایی می‌دانند، با طبیعتی بارززش که باید در حفظ آن کوشید. آب و خاک در نگاه آنها بیش از نسل‌های گذشته ارزش دارد.

**دو تصویر در کنار هم**

دو تصویر در تلویزیون توجهم را جلب کرد. پیش از فراخوان راهپیمایی سراسری در محکومیت اعتراضات، در برخی شهرستان‌ها، احتمالاً به ابتکار مقامات محلی، راهپیمایی‌هایی برپانده برگزار شده بود. در یکی از شبکه‌های صدواسیمیا چند تصویر در کنار هم از این راهپیمایی‌ها نمایش داده می‌شد:

کم و زیاد جمعیت پیدا نبود، اما سن‌وسال حاضران پیدا بود یا



# انحلال مطالبات نسلی

**دهه‌هشتاد‌ی‌ها؛ از ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۴**



علی اصغرسیدآبادی

دست‌کم توجه من را به خود جلب کرد و با دقت بیشتری دیدم. مردانی سن‌وسال‌دار که احتمالاً هنوز جِراع مسجد‌ها را روشن نگه داشته‌اند، در صف‌های جلو بودند و پشت سرشان تعداد انگشت‌شماری زن. از آن طرف تصویر معترضان، چه آنجا که همراه با خشونت بود و چه آنجا که جمعیتی شکل گرفته بود و فقط صدای شعارها می‌آمد، نسلی جوان‌تر بود. البته این تضاد تصویری پیر و جوان در فراخوان رسمی و سراسری در این‌حد نبود، اما کم‌کم می‌توان وجه دیده‌نشده این اعتراضات را مواجه‌های نوجوانانه با ساختارهای محدودیت‌ساز ارزیابی کرد. بسیاری از تحلیل‌گران جنس اعتراضات ۱۴۰۴ را با اعتراضات ۱۳۹۸ و حتی ۱۳۹۶ مقایسه می‌کنند و اعتراضات ۱۴۰۱ را پدیده‌ای متفاوت در روند اعتراضات ارزیابی می‌کنند. یکی از ویژگی‌های اعتراضات ۱۳۹۸ حضور پررنگ پسران نوجوان و دبیرستانی بود. این اعتراضات که بیشتر در شهرهای کوچک و حاشیه شهرهای بزرگ در اعتراض به گرانی بنزین رخ داده بود، سروشتی خشونت‌بار داشت. اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز اگرچه در آغاز از بازار و در اعتراض به گرانی شکل گرفت، اما چیزی نگذشت که این اعتراضات به شهرهای کوچک و بزرگ حاشیه زاگرس کشیده شد و با گسترش آن به شهرهای مختلف، سن کنشگران میدانی پایین‌تر آمد. با این حال، نه اعتراضات ۱۳۹۸ و نه اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ هیچ‌کدام به اعتبار حضور نوجوانان و دهه‌هشتاد‌ی‌ها به این نسل نسبت داده نشد؛ شاید به این دلیل که در مطالبات سلبی و ایجابی این اعتراضات، اشاره‌ای به مطالبات این نسل نبود. پس از فراخوان‌های خارج از کشور نیز با وجود مشارکت گروه‌های سنی متفاوت، خبری از این مطالبات در میان نبود و اعتراضات سمت‌وسوی مشخصی به خود گرفت و رسانه‌های فعال نیز این وجه از اعتراضات را برجسته کردند و ویژگی‌های دیگر آن نادیده گرفته شد. جمعیت معترضان با وجود شعارهای نسبتاً یکسان و هم‌وزنی برخی شعارها، جمعیتی متکثر است که در آن صدای دهه‌هشتاد‌ی‌ها در صدای جمعیت منحل شده است. اما آیا این انحلال خودخواسته و گذشتن از صدای خودشان به نفع صدای هژمونیک نیست؟

**جغرافیای اعتراضات و دهه‌هشتاد‌ها**

اعتراضات اجتماعی فقط مجموعه‌ای از شعارها و تجمع‌ها نیستند؛ آنها همواره در مکان رخ می‌دهند و مکان، معنا تولید می‌کند. اینکه اعتراض در کدام شهر، کدام محله و کدام پهنه جغرافیایی بروز می‌کند، به همان اندازه مهم است که خود اعتراض. موج اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ از این‌نظر واجد اهمیت متضائف است. زیرا الگوی جغرافیایی آن در آغاز به‌طور معناداری با موج‌های پیشین، به‌ویژه اعتراضات ۱۴۰۱ تفاوت دارد. این تفاوت صرفاً در شدت یا شعار نیست، بلکه نشانه جایگاهی مرکز ثقل رضایتی اجتماعی در ایران است. نقشه برانگیزی اعتراضات -براساس گزارش‌های خبری، داده‌های شبکه‌های اجتماعی در هفته اول اعتراضات و پیش از فراخوان از خارج- نشان می‌داد که بیشترین تجمع‌ها در یک کمربند جغرافیایی مشخص رخ دادند: شهرهای کوچک و متوسط حاشیه زاگرس مانند همدان، نهاوند، ملایر، دورود، خرم‌آباد، کوهدشت، ایلام، کرمانشاه، اسلام‌آباد غرب، هرسین، فارسان، لردگان، یاسوج، مرودشت، کوار، فسا و رامهرمز، در کنار چند نقطه پرانگده در استان‌های دیگر، هسته اصلی اعتراضات را شکل دادند. در این مناطق اگرچه حضور نسل جوان و دهه‌هشتاد‌ی‌ها پررنگ بود، اما حضوری متمایز نبود. در مقابل، چند پهنه مهم جغرافیایی در روزهای نخست به‌طور معناداری ساکت یا کم‌تحرک بودند:

۱. مناطق مرکزی فلات ایران: اصفهان، یزد، سمنان و کرمان -به‌جز یکی، دو شهر یا تجمع محدود- عملاً در نقشه اعتراضات غایب بودند.
۲. جنوب بندری کشور: هرمزگان و بوشهر، به‌استثنا قشم و چند نقطه پراکنده، شاهد اعتراضات گسترده نبودند.
۳. کلان‌شهرها: در آغاز کلان‌شهرها و به‌ویژه مناطق مرکزی آنها برخلاف موج‌های قبلی، کانون اعتراض نبودند. اما رفتارفته به اعتراض پیوستند. مشهد یکی از شهرهایی بود که خیلی زودتر از دیگر کلان‌شهرها به اعتراضات پیوست و به‌عنوان موردی برای مطالعه درخور تأمل است.
۴. مناطق قومی مرزی معترض سابق: کردستان، سیستان‌وبلوچستان و آذربایجان‌ها که در ۱۴۰۱ نقش محوری داشتند، در آغاز عمدتاً ساکت بودند.

اغلب شهرهایی که در روزهای نخست این موج اعتراض کردند، شهرهای کوچک و متوسط هستند؛ شهرهایی با جمعیتی معمولاً بین ۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر. این شهرها در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران موقعیتی خاص دارند؛ آنها نه از اقتصاد متنوع و فرصت‌های جذب شوک در کلان‌شهرها برخوردارند و نه از سازوکارهای خودباری و معیشت سنتی روستاها. اقتصاد این شهرها به‌شدت به گردش نقدینگی روزانه وابسته است؛ بازار، مغازه‌های خرده، خدمات، حمل‌ونقل، کارگری فصلی و مشاغل پایادار، شوک ارزی، افزایش قیمت دلار، جهش قیمت غذا و دارو و بی‌ثباتی بازار، مستقیماً به زندگی روزمره ساکنان این شهرها ضربه می‌زند. شبکه‌های محلی، فامیلی و قومی در این شهرها باعث شدند اعتراض سریع شکل بگیرد. بخش درخور توجهی از معترضان ساکن شهرهایی هستند که از نظر قومی عمدتاً لر و بختیاری و در مواردی کرد



«زن، زندگی، آزادی» از سوی فراخوان‌دهندگان بود. شاید مهم‌ترین تفاوت این موج با ۱۴۰۱ -دست‌کم در روزهای نخست- غیبت طبقه متوسط شهری باشد که در دو دهه اخیر موتور اصلی اعتراضات مدنی و فرهنگی بود. این غیبت در روزهای نخستین تا پایان اثرش را بر شعارها گذاشت و تقریباً هیچ‌یک از مطالبات ایجابی این طبقه، به‌ویژه آنچه در اعتراضات ۱۴۰۱ برجسته شده بود، در شعارها شنیده نشد. شعارهای این موج عمدتاً سلبی بودند و شعارهای ایجابی نیز عمدتاً حول محور بازگشت شخصی خاص به قدرت سیاسی بود. چند ماه پیش در یکی از نهادهای داوطلبانه بحثی درگرفته بود که چرا نسل جوان دهه‌هشتاد‌ی‌ها تمایلی به فعالیت‌های داوطلبانه یا حضور در جامعه مدنی ندارد؟ به اعتبار کتاب «زیستن یا فلسفه دلگک‌ها» اولاد علی‌ماه ۱۴۰۴ برای گفت‌وگویی دربارهٔ این موضوع در اواخر دی‌ماه دعوت‌م کردند. روز نشست پس از فرورشتانند این موضوع را با حضور سید علی‌محمدی، مدیران کلان‌شهر تهران، در میان قرار گرفت؛ بنابراین در آستانه اعتراضات هم‌زمان که قیمت دلار به‌طور زورافزون بالا می‌رفت و قیمت کالاهای افزایش می‌یافت، تصور عموم این بود که شعارهای ملی‌گروانه و همدلی و هم‌راهی زمان جنگ نیز خیلی زود فراموش شده و مدیران به تنظیمات اولیه برمی‌گردند. همه اینها باعث شد در این دوره از اعتراضات، به‌ویژه پس از فراخوان‌ها، با وجود حضور دهه‌هشتاد‌ی‌ها، مطالبات نسلی آنان در شعارهای برجسته و حل‌شود و تمایز نسلی نداشته باشند. انحلال مطالبات نسلی با وجود حضور پررنگ این نسل در برخی از شهرها می‌تواند نشانه اولویت‌بندی سیاسی تازه و ظهور وضعیتی جدید باشد. این نشانه وقتی اهمیت پیدا می‌کند که در نمونه‌ای استثنایی، در نحوه حضور دهه‌هشتاد‌ی‌ها در اعتراضات مشهود تأمل کنیم.

شیعه هستند که گرایشات قومی-هوتبی به معنی جدایی طلبانه ندارند. براساس این پژوهش، اکثریت مردمی که زبان مادری‌شان غیر از فارسی است، هم‌زمان که به ایرانی‌بودن خود و به وجود شاعران فارسی‌زبانی مانند سعدی، فردوسی و حافظ افتخار می‌کنند، به فرهنگ محلی و قومی خود نیز افتخار می‌کنند و بین اینها تضاد و تناقضی نمی‌بینند. بر این اساس، ۸۶.۳ درصد از مردم کم‌ربیش می‌توانند به زبان فارسی حرف بزنند، اما در عین حال ۹۳.۶ درصد از مردم وظیفه خود می‌دانند که زبان قومی یا محلی خود را به فرزندان‌شان منتقل کنند. بالاترین فراوانی درباره کسانی که کم یا خیلی کم به زبان فارسی می‌توانند صحبت کنند، به ترتیب در استان‌های آذربایجان شرقی با ۲۷.۴ درصد، کهگیلویه‌وبویرواحمد با ۳۳.۸ درصد، اردبیل با ۱۸.۶ درصد، لرستان با ۱۸.۵ درصد و سیستان‌وبلوچستان با ۱۷.۶ درصد قرار دارند. بااین‌حال، شهرهای حاشیه زاگرس که نخستین جرقه‌های اعتراضات پس از بازار تهران در آنجا دیده شد، در حالی که ارتباط تاریکینی با کشورهای بی‌برون مرزهای کشور ندارند و در طول تاریخ نیروی مقابل جدایی‌طلبی بوده‌اند، براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان بیشترین احساس تبعیض قومیتی را تجربه می‌کنند. ۵۹.۶ درصد از مردم کهگیلویه‌وبویرواحمد، ۵۵ درصد از مردم لرستان و ۵۳.۸ درصد از مردم همدان بیش‌وکم احساس می‌کنند که سیستم بین اقوام فرق می‌گذارد و احساس تبعیض قومی دارند، در حالی که احساس تبعیض در کردستان ۴۴.۴ درصد، سیستان‌وبلوچستان ۴۱.۴ درصد، آذربایجان شرقی ۴۲ و خوزستان ۳۰.۵ درصد و کمتر از آن استان‌هاست.

اقتصاد این مناطق از راه دامداری، باغداری و کشاورزی است که به خاطر خشک‌سالی در سال‌های اخیر، با مسائل و مشکلات بسیاری روبه‌رو شده است. بخشی از نیروی کار شهرهای بزرگ از جمله تهران، به‌خصوص نیروی کار فصلی از این شهرها تأمین می‌شود که اغلب شامل گروه‌های سنی نوجوان و اوایل سن جوانی (دهه‌هشتاد‌ی‌ها) هستند. حضور در تهران و دیدن تبعیض از یک سو و احتمالاً مسائل و مشکلات زندگی از سوی دیگر، به تبعیض اقتصادی سوبه قومی و اجتماعی می‌دهد.

از سوی دیگر، در یک دهه گذشته واکنش بخش‌های روشنفکری این مناطق به این احساس تبعیض و تحقیر نوعی ملی‌گرایی است که مهم‌ترین تجلی آن در بزرگداشت روز کوروش جلوه می‌کند و برخی از اقوام و بختیاری و لر خود را با زمانه هخامنشیان می‌دانند و شباهت لباس خود را با لباس نگاره‌های تخت جمشید گواه این می‌گیرند. برخورد‌های سلبی و نامناسب با چنین نشانه‌هایی در این مناطق باعث شده است ایران‌دوستی و ملی‌گرایی را بیرون از ساختارهای رسمی فهم کنند. این آن وجه فرهنگی ماجراست که کمتر به آن پرداخته می‌شود. سکوت نسبی اصفهان، یزد و کرمان در روزهای نخست اعتراضات یکی از معنادارترین ویژگی‌های این موج و نتیجه ترکیبی از عوامل ساختاری بود. این سکوت را نمی‌توان به «رضایت» یا «بی‌مسئلتگی» تقلیل داد. سهم بالاتری از جمعیت این استان‌ها حقوق‌بگیر صنعتی کارمند یا وابسته به صنایع بزرگ و نیمه‌دولتی هستند. هرچند این گروه‌ها نیز تحت فشار تورم‌اند، اما وجود درآمدی حداقلی و قابل پیش‌بینی نقش یک «ضربه‌گیر اجتماعی» را بازی می‌کند. دوم اینکه در این مناطق نسبت به مناطق حاشیه زاگرس و مناطق حاشیه ایران، کمترین احساس تبعیض قومی وجود دارد. سکوت نسبی جنوب بندری کشور نیز منطق اصلی خود را دارد. در هرمزگان و بوشهر، بخش مهمی از معیشت مردم از مسرهای غیررسمی، بندری و خاکستری تأمین می‌شود؛ تجارت خرد، رفت‌وآمدهای مرزی، فعالیت‌های وابسته به بندر و شبکه‌های محلی. می‌تواند فشار تورم رسمی را تعدیل کند. به بیان دیگر، شوک اقتصادی در این مناطق با دیدن محدودیت‌های خود یا به خیابان منتقل نمی‌شود.

قسم در این میان استثناست؛ زیرا وابستگی بیشتری به گردشگری و تجارت رسمی دارد و شوک اقتصادی را سریع‌تر حس می‌کند. شاید عجیب‌ترین رویداد در نخستین روزهای این دوره از اعتراضات، سکوت شهرهایی باشد که در اعتراضات پیشین پیشتاز بودند و استمرار و ادامه اعتراضات بر عهدۀ آنان بود. کردستان، آذربایجان غربی و شرقی کمترین فراوانی را در اعتراضات داشتند. یکی از دلایل شاید در این است که اولاً این اعتراضات بدون برنامه‌ریزی قبلی آغاز شده است و به‌ویژه احزاب جدایی‌طلب کرد و ترک از آن اطلاعی نداشتند. دوم اینکه این میدان‌داری سلطنت‌طلبان و حمایت رسانه‌ای از آنان و سرعت واکنش آنان باعث شد این احزاب به این اعتراضات نپیوندند و در روزهای بعد نیز شوک اعتراض خود را متفاوت از فراخوان‌ها و با شعارهای متفاوت دنبال کنند. پیش از اینکه فراخوان برای پیوستن مردم به این اعتراضات صادر شود، چند حادثه دلخراش در غرب کشور از جمله حادثه بیمارستان ایلام و دگرگیری‌های مسلحانه و خشونت‌ها، فضای عاطفی و روانی جامعه را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده بود. بااین‌حال، یکی از ویژگی‌های متمایز اعتراضات ۱۴۰۴، به‌ویژه در روزهای نخست، غیبت طبقه متوسط و به تبع آن نوجوانان دختر و پسر و به نحوی حذف کاهانه نام‌های اعتراضات

## منشأ

نام برد. هم‌زمانی این الیگارشی نسلی و پیوند عاطفی با خانواده به وضعیتی متناقض انجامیده است که وقتی با مسائل و مشکلات دیگر ترکیب می‌شود، در تصمیم‌گیری‌های این نسل تأثیرگذار می‌شود؛ چنان که در اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ منجر به حذف موقت مطالبات دهه‌هشتاد‌ی‌ها دست‌کم در شعارها شد. شاید وضعیت اقتصادی در اغلب شهرها باعث شده بود دهه‌هشتاد‌ی‌ها حضوری متمایز نداشته باشند. وضعیت اقتصادی باعث فشارهای چندگانه بر دهه‌هشتاد‌ی‌ها شده است. از یک سو اقتصاد خانواده در زندگی آن بخش از این نسل که وابستگی اقتصادی در خانواده دارند، تأثیر مستقیم گذاشته است و از سوی دیگر حتی اگر وابستگی مستقیم در کار نباشد، دیدن وضعیت اقتصادی خانواده به فشارهای عاطفی می‌انجامد. افزون بر همه اینها، بخشی از این نسل به‌طور مستقیم درگیر موضوع است. بیکاری که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین عوامل محرک اعتراضات برشمرد، در میان دهه‌هشتاد‌ی‌ها دو برابر نرخ عمومی کشور است.

براساس آمارهای مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی در ایران ۴۰.۸ درصد است، اما این میزان در میان افراد زیر ۲۴ سال به ۲۳.۸ درصد می‌رسد. براساس همین آمار، نرخ بیکاری عمومی در ایران ۷.۴ درصد ذکر شده. درحالی‌که نرخ بیکاری بین دهه‌هشتاد‌ی‌ها ۱۹ درصد است. بین زنان دهه‌هشتاد‌ی این رقم به ۳۱.۵ می‌رسد و درحالی‌که نرخ بیکاری شهری ۷.۹ درصد است، برای این گروه سنی ۲۰.۱ درصد است. علل و دلایل فوری شکل‌گیری اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ شاید به وضعیت پس از جنگ برگردد. جنگ، افزون بر تأثیرات نظامی و اقتصادی، نوعی ترومای جمعی ساخت-تشد، با وجود هشدار برخی متخصصان به آن توجه نشد و درمان نشد. عامل مؤثر دیگری که نباید فراموش کرد، جنگ ۱۱روزه است. جنگ ۱۱روزه در کنار خرابی‌ها و زیان‌های اقتصادی و تأثیرات سیاسی، بر روان مردم و به‌ویژه نسل جوان تأثیرگذار بود. بسیاری از مردم انتظار داشتند حاکمیت بلافاصله پس از جنگ تغییرات چشمگیری را آغاز کند. مقابله واقعی با فساد سیستماتیک، تغییر سارده ساختار خارجی، کشایش‌های فرهنگی و اجتماعی و نوسازی چهره ایران کشور از جمله این مطالبات بود. اگر به آن دو تصویری در از آن سرخه گفتم برگردیم، تقریباً همه مدیران کشور را نیز در همان قالب مواجهه پیر و جوان می‌توان توضیح داد. این انتظارات از نظر مردم برآورده نشد و برخی اقدامات دولت نیز چندان چشمگیر نبود که مورد توجه قرار گیرد؛ بنابراین در آستانه اعتراضات هم‌زمان که قیمت دلار به‌طور زورافزون بالا می‌رفت و قیمت کالاهای افزایش می‌یافت، تصور عموم این بود که شعارهای ملی‌گروانه و همدلی و هم‌راهی زمان جنگ نیز خیلی زود فراموش شده و مدیران به تنظیمات اولیه برمی‌گردند. همه اینها باعث شد در این دوره از اعتراضات، به‌ویژه پس از فراخوان‌ها، با وجود حضور دهه‌هشتاد‌ی‌ها، مطالبات نسلی آنان در شعارهای برجسته و حل‌شود و تمایز نسلی نداشته باشند. انحلال مطالبات نسلی با وجود حضور پررنگ این نسل در برخی از شهرها می‌تواند نشانه اولویت‌بندی سیاسی تازه و ظهور وضعیتی جدید باشد. این نشانه وقتی اهمیت پیدا می‌کند که در نمونه‌ای استثنایی، در نحوه حضور دهه‌هشتاد‌ی‌ها در اعتراضات مشهود تأمل کنیم.

### نمونه استثنائی مشهد

در میان شهرهای بزرگ، مشهد خیلی زود به اعتراضات پیوست و اعتراضاتش ویژگی‌های نمادینی دارد که درخور توجه است. شاید برای بسیاری این ویژگی نمادین برآمده از ویژگی‌های سیاسی و مذهبی مشهد باشد، اما به نظر در حذف مطالبات این نسل با وجود حضور پررنگ دهه‌هشتاد‌ی‌ها در این اعتراضات و به‌رغم وجود الیگارشی نسلی است. اگر در شهرهای حاشیه زاگرس حضور مردم غیرنسلی و تقریباً مکرانه بود، اگر در تهران -دست‌کم پنجشنبه‌شب فراخوان در برخی محلات- حضور معترضان خانوادگی بود و اگر در جنوب شهر تهران حضور کم‌وبیش زنان محجبه در میان معترضان به چشم می‌آمد، اعتراضات در مشهد خصلتی کاملاً متفاوت داشت. اولاً شاید گسترده‌ترین حضور خیابانی دیده‌نشده مشهد در آن نسل بیکاری را جوانان زیر ۲۵ سال (دهه‌هشتاد‌ی‌ها) با ۶۲ درصد نیت‌های سیاسی شدند و بر پایه برخی گزارش‌ها معنادار نیست، اما ترکیب معترضان به اضافه مکان، به اعتراضات مشهد خصلتی فرهنگی و اجتماعی داده بود.

سوم اینکه بنا بر گزارش‌های غیررسمی، بیشترین فراوانی نوجوانان و دانش‌آموزان دبیرستانی در اعتراضات مشهد دیده می‌شود. براساس گزارش‌های رسمی بیشترین درصد بازداشتی‌ها را جوانان زیر ۲۵ سال (دهه‌هشتاد‌ی‌ها) با ۶۲ درصد نیت‌های سیاسی شدند و بر پایه برخی گزارش‌ها معنادار دیده نمی‌شود و همان شعارهای سلبی و حمایتی مرسوم تکرار شده است. اما ترکیب نسلی آن را نمی‌توان صرفاً در چارچوب اقتصادی توضیح داد. درست است که آمار بیکاری در میان گروه‌های سنی آغاز جوانی تقریباً دو برابر بقیه است و میزان مشارکت اقتصادی‌شان کمتر از نصف بقیه گروه‌ها، اما ترکیب معترضان و مکان اعتراضات نشان می‌دهد که دغدغه اقتصادی به‌تهنایی موتور محرکه اعتراضات مشهد نیست. فضای فرهنگی مشهد در سال‌های مختلف به دلیل نگاه نواح امام‌چهره و همچنین تسلط نیروهای سیاسی متغایب به پایادری در مدیریت فضاهای شهری وضعیتی ویژه دارد. برخی از فعالیت‌های فرهنگی و هنری که در شهرهای دیگر اموری طبیعی به شمار می‌روند، در مشهد ممنوع هستند. اینها شاید برای میانسالان و کهنسال طبیعی یا دست‌کم کم‌اهمیت تلقی شوند یا حتی برای برخی از آنها آرمانی ایدئولوژیک به شمار بیاید، اما پیامدش برای نسل جوان احساس خفگی فرهنگی و اجتماعی است. زیرزمینی شدن برخی تقریحات و پیوند با برخی ناهنجاری‌ها، و بی‌بهره‌ای نوجوانانسه و جوانانسه و در حوزه فرهنگ میزان رشد هنر زیرزمینی نسبت به شهرهای دیگر از پیامدهای این احساسات است.

نمونه مشهد هم‌زمان که از عمق فاجعه خبر می‌دهد، نشانه شکست سیاست‌های فرهنگی سخت‌گیرانه است. نمونه مشهد نشان می‌دهد که اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه در قبال مطالبات مردم بیراهه است. در شهری که هم از فضای مذهبی با وجود امام رضا(ع) برخوردار است و هم از وجودی ملی به‌خاطر وجود آرامگاه فردوسی، چنین رخدادی هشداری است بزرگ از آنان قابل صورت‌بندی است. بااین‌حال، در کنار این پیوند عاطفی با افزایش مرجعیت نهاد خانواده (به‌عنوان تنها نهاد اجتماعی در ایران که بیش از ۵۰ درصد تأثیر دارد) در کنار فاصله نوجوانان دهه‌هشتاد‌ی موضوعی قابل بحث است که می‌توان از آن به‌عنوان الیگارشی نسلی مواجه خواهد کرد.





## خبرخوان

### افت اهدای خون درروزهای پایانی سال

**ایسنا:**مدیرکل انتقال خون استان تهران با ابراز نگرانی از افت قابل توجه مراجعه برای اهدای خون به دلیل هم‌زمانی روزهای پایانی سال و ماه رمضان، از شهروندان خواست سازمان انتقال خون را در تأمین نیاز بیماران یاری کنند.
محمدرضا مهدی‌زاده درباره کاهش مراجعه برای اهدای خون گفت: «روزهای پایانی سال را سیری می‌کنیم، روزهایی که با ماه رمضان مصادف است. میزان مراجعه برای اهدای خون در اسفند همواره کاهش می‌یابد، چراکه میزان درگیری روزانه شهروندان بیشتر می‌شود. نه‌فقط اسفند، بلکه میزان مراجعه در ماه رمضان نیز کاهش می‌یابد. سال جاری، با هم‌زمانی این ماه‌ها روبه‌رو هستیم.» او با بیان اینکه هم‌زمانی ماه رمضان و اسفندماه سبب افت شدید مراجعه برای اهدای خون شده، توضیح داد: «میزان کاهش مراجعه سبب کاهش ذخایر خونی شده است. روزه‌داری، مانعی برای اهدای خون نیست؛ اگر افراد روزه‌دار هستند، پس از صرف یک سحری مناسب و مصرف مایعات کافی، می‌توانند در ساعات اولیه صبح خون اهدا کنند و هیچ مشکلی برای آنها پیش نمی‌آید.» او درباره فعالیت پایگاه‌های انتقال خون گفت: «پنج مرکز جامع انتقال خون استان، پس از افطار نیز فعال هستند. مراکز جامع «وصال» و «ستاری» تا ساعت ۲۲ و همچنین مراکز «شهر ری»، «تهرانپارس» و «پیروزی» تا ساعت ۲۰ پذیرای شهروندان هستند. پس از افطار مختصر و مصرف مایعات کافی، مردم با مراجعه به پایگاه‌ها می‌توانند خون خود را اهدا کنند.» او درباره افزایش نیاز به خون و فرآورده‌های خونی توضیح داد: «نیاز به خون و فرآورده‌های خونی، یک نیاز همیشگی است و محدود به روزهای خاص نمی‌شود. به‌طور معمول، تعداد عمل‌های جراحی در اسفندماه افزایش می‌یابد و بنابراین نیاز به خون نیز بیشتر می‌شود. این در حالی است که بیماران مبتلا به تالاسمی و هموفیلی نیز در کشور حضور دارند و جزء گیرندگان همیشگی خون محسوب می‌شوند و حیات آنها در گرو دریافت خون است. بنابراین انتظار داریم مردم با مراجعه به پایگاه‌ها و اهدای خون سالم خود، سازمان انتقال خون را در تأمین نیاز بیماران یاری دهند.» مهدی‌زاده درباره وضعیت ذخایر خونی در تهران نیز گفت: «ذخایر خونی تا حدودی کاهش یافته است. اگر روند کنونی اهدای خون ادامه داشته باشد، با شرایط مخاطره‌آمیز روبه‌رو می‌شویم. امیدواریم شهروندان با مشارکت مستمر خود اجازه ندهند روند کاهش ذخایر خون ادامه پیدا کند؛ چراکه تأمین خون سالم با نجات جان بیماران گره خورده است.»

### هشدار سازمان جهانی بهداشت درباره «ویپ»

سازمان جهانی بهداشت (WHO) اعلام کرده است با وجود کاهش کلی مصرف دخانیات، سیگارهای الکترونیکی و محصولات نوین دخانی باعث افزایش مصرف در میان جوانان اروپا شده است. به گزارش ایسنا از یورونیوز، بررسی آماری جدید نشان می‌دهد منطقه اروپایی سازمان جهانی بهداشت که ۵۳ کشور در اروپا و آسیای مرکزی را در بر می‌گیرد، تا سال ۲۰۳۰ میلادی همچنان بزرگ‌ترین مصرف‌کننده دخانیات در جهان خواهد بود. در حالی که مصرف کلی دخانیات رو به کاهش است، سیگارهای الکترونیکی و محصولات نیکوتینی طعم‌دار، نسل تازه‌ای را به خود جذب کرده‌اند. هانس کلوهگ، مدیر منطقه‌ای سازمان جهانی بهداشت در اروپا در این باره گفت: «مصرف دخانیات هرساله در منطقه اروپایی بیش از یک میلیون و ۱۰۰ هزار مرگ ناشی از بیماری‌های غیرواگیرا را رقم می‌زند و اگر اقدام‌ها را سرعت نبخشیم، تا سال ۲۰۳۰ همچنان بدترین وضعیت را در میان مناطق جهان خواهیم داشت.» او افزود: «اکتون مسئولیت‌داری مردم برای عوض کنیم؛ جوانان را از اعتیاد به نیکوتین محافظت، از مداخله صنعت در سیاست‌گذاری سلامت جلوگیری کنیم و مقرراتی را به اجرا بگذاریم که مانع از یک عمر آسیب‌قابل پیشگیری شود.»
آمارها نشان می‌دهد در سال ۲۰۲۴ حدود ۱۷۳ میلیون نفر در منطقه اروپایی سازمان جهانی بهداشت مصرف‌کننده دخانیات بودند. بر اساس این گزارش، جوانان اروپایی از این حیث بیش از همه در معرض خطر هستند. در سراسر این منطقه حدود چهار میلیون نوجوان ۱۳ تا ۱۵ساله از فرآورده‌های دخانی استفاده می‌کنند. با این حال، سازمان جهانی بهداشت مقابله با افزایش مصرف سیگارهای الکترونیکی را فوری‌ترین چالش می‌داند؛ میزان مصرف در میان نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ساله ۱۴.۳ درصد و این سهم در میان دختران و پسران تقریباً یکسان است.

### مکاتبه انجمن مددکاران درباره بازداشت‌شدگان

**ایسنا:**رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران از مکاتبات رسمی این انجمن با نهادهای مسئول برای پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان حوادث دی‌ماه خبر داد و تأکید کرد: «ویکرد انجمن در تمامی مکاتبات و پیگیری بازداشت‌شدگان، حمایت حرفه‌ای از گروه‌های آسیب‌پذیر و تلاش برای تقویت نگاه اجتماعی در فرایند‌های قضائی بوده است.»
حسن موسوی پراک تأکید کرد: «پس از وقوع اعتراضات، با توجه به اینکه برخی از بازداشت‌شدگان در زمره گروه‌های هدف حوزه مددکاری اجتماعی قرار می‌گرفتند، جلسات و مکاتبات متعددی را در دستور کار قرار دادیم. برای ما کودکان، نوجوانان، زنان، دختران و افراد بیمار از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ در همین راستا درباره دانش‌آموزان بازداشت‌شده، با توجه به اهمیت این گروه سنی و نقشی که مدرسه در فرایند تربیتی و بازگشت به زندگی عادی ایفا می‌کند، مطالبه و مکاتبه رسمی خود را با وزارت آموزش و پرورش انجام دادیم، چراکه دورمانند دانش‌آموزان از محیط مدرسه به زبان آنهاست و باید با فراهم‌آوردن شرایطی زمینه بازگشت‌شان به مدرسه تسهیل شود.» او ادامه داد: «مکاتبه دیگری نیز با وزارت دادگستری انجام شد. در این نامه نیز بر ضرورت پیگیری وضعیت کودکان بازداشت‌شده و بهره‌مندی آنها از حمایت‌های قضائی تأکید شده است. خوشبختانه پاسخی که دریافت کردیم، حاکی از آن بود که این موضوع به‌طور جدی در حال پیگیری است و وجود مرجع ملی حقوق کودک می‌تواند به‌منزله چتری حمایتی برای این گروه سنی عمل کند.»
موسوی چک همچنین از مکاتبه با وزارت بهداشت خبر داد و گفت: «یکی از بازداشت‌شدگان، از فارغ‌التحصیلان رشته مددکاری اجتماعی است که هر چند در حال حاضر دانشجوی این رشته نبوده و در حوزه مشاوره توانبخشی تحصیل می‌کند، اما به دلیل تعلق حرفه‌ای به جامعه مددکاری اجتماعی، پیگیری وضعیت او را وظیفه خود دانستیم. تأکید ما این بوده که شرایط آزادی او فراهم شود تا بتواند به دانشگاه بازگردد. باید توجه کرد که بازداشت، به‌ویژه در این سنین، آثار مطلوبی به همراه ندارد.» او با بیان اینکه این پیگیری‌ها در چارچوب اخلاق حرفه‌ای مددکاری اجتماعی انجام شده است، افزود: «در عین حال، مکاتبه‌ای نیز با معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه داشتیم و نگرانی‌های خود را درباره بازداشت‌شدگانی که کودک، زن یا بیمار هستند، مطرح کردیم. حتی اگر برخی از این افراد هم‌اکنون در زندان نباشند، طرح این مطالبه از منظر مددکاری اجتماعی ضروری است. انتظار ما این است که معاونت اجتماعی قوه قضائیه، نگاهی اجتماعی‌تر به این مسائل داشته باشد.»
موسوی‌چلک در پاسخ به پرسشی درباره امکان فعالیت و مداخله مددکاران اجتماعی فعال در زندان‌ها تأکید کرد: «سازمان زندان‌ها این‌نامه اجرایی مشخصی دارد که بخشی از آن به حوزه مددکاری اجتماعی اختصاص دارد. مددکاران اجتماعی زندان‌ها با همه گروه‌های زندانی در ارتباط هستند، مگر آنکه محدودیتی خاص اعمال شده باشد. تا این لحظه گزارشی مبنی بر ایجاد محدودیت برای ارتباط مددکاران اجتماعی با بازداشت‌شدگان دریافت نکرده‌ایم.»

## گزارش «شرق» از کمبود، کمیابی و گرانی داروهای ضداسفردگی و کاهش عرضه شرکت‌های تولیدکننده

# کمیابی آسترا و فلوکستین؛ بازار «روان» زیر فشار قیمت

بررسی‌های میدانی از داروخانه‌ها نشان می‌دهد افراد به دنبال ذخیره‌کردن داروها، به‌ویژه داروهای اعصاب و روان هستند



یک داروساز در داروخانه

اما برای نخستین بار دچار اختلال شده باشد، ممکن است مدت درمان کوتاه‌تر باشد». به گفته این روان‌پزشک، مصرف خودسرانه این داروها می‌تواند عوارضی داشته باشد که حتی از منافع احتمالی آن بیشتر باشد و به همین دلیل توصیه نمی‌شود.
شریعت درباره طول دوره مصرف می‌گوید: «مدت درمان با توجه به نوع بیماری، شرایط بیمار و میزان پاسخ به درمان متفاوت است که شاید حدود یک سال طول بکشد. پس از آن باید به صورت تدریجی داده و قطع شود. بنابراین قطع ناگهانی دارو قطعاً توصیه نمی‌شود و باید زیر نظر پزشک و به‌صورت تدریجی انجام شود.» این روان‌پزشک در مورد شرایط روحی مراجعه‌کنندگان ماه‌های اخیر خود می‌گوید: «تعداد افرادی که به دلیل حوادث ماه‌های قبل دچار فشار روانی شدند بسیار زیاد شده و شاید از نظر وسعت و فراگیری در سال‌های گذشته بی‌سابقه باشد. در گذشته هم بحران‌هایی داشتیم اما از نظر گستره اثرگذاری، آنچه اکنون مشاهده می‌کنیم وسیع‌تر و فراگیرتر است.»

#### کمیابی؛ سببستی برای افزایش قیمت

باوجود افزایش تقاضا برای مصرف داروهای ضداسفردگی و مراجعه‌کنندگان به مراکز درمان، این داروها در عرضه به داروخانه‌ها مشکل مواجه شده‌اند. در همین زمینه هادی احمدی، عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان ایران به «شرق» توضیح می‌دهد: «در مورد برندهایی مثل آسترا، هم کمبود ماده اولیه مطرح است و هم بحث تغییر قیمت. وقتی قرار است قیمت اصلاح شود، شرکت‌های تولیدکننده معمولاً وقفه‌ای در تولید درج‌های ضداسفردگی را از اعتراضات سال ۱۴۰۱ شروع کرده و حالا کمبود ماده اولیه و هم تغییر نرخ ارز و روند اصلاح قیمت در کاهش تولید و عرضه موثر بوده است. در واقع آسترتا یک برند از سرترائین است و اصل داروی سرترائین در بازار وجود دارد. کمبود این برند از حدود دو تا سه ماه پیش آغاز شده و اکنون به اوج رسیده است. به نظر می‌رسد شرکت توزیع‌کننده، دارو را فطره‌چکانسی در اختیار داروخانه‌ها قرار می‌دهد؛ مثلاً ۱۰ بسته به یک داروخانه می‌دهند که نهایتاً دو تا سه نسخه را پوشش می‌دهد، در حالی که سرترائین با نام‌های تجاری دیگر در بسیاری از داروخانه‌ها موجود است.»

به گفته احمدی، فلوکستین نیز در دو تا سه ماه اخیر با اختلال در توزیع مواجه بوده که آن هم به کمبود ماده اولیه و تأخیر در تأمین ارز برمی‌گردد: «ارز به‌موقع در اختیار تولیدکننده قرار نگرفته و نتوانسته‌اند ماده اولیه وارد کنند. بنابراین عرضه به بازار کاهش یافته است. این مسئله از دو تا سه ماه قبل وجود داشته و ربطی به شرایط اخیر یا افزایش اسفردگی ندارد.» احمدی در ادامه به افزایش قیمت داروها اشاره می‌کند: «از ابتدای اخیر یا افزایش اسفردگی ندارد.» احمدی در ادامه به شده، به‌ویژه در ماه‌های اخیر. فقط حدود ۳۰ درصد هزینه تولید دارو مربوط به ماده اولیه است که ارز ترجیحی به آن تعلق می‌گیرد و ۷۰ درصد دیگر شامل هزینه‌های جانبی تولید مانند مواد کمکی، بسته‌بندی، لیبیل، دستمزد کارگر، آب، برق و سایر هزینه‌های تولید است که با ارز آزاد محاسبه می‌شود. وقتی نرخ ارز بالا می‌رود، طبیعی است که قیمت دارو هم افزایش پیدا کند. افزایش قیمت صرفاً به ماده اولیه مربوط نیست؛ بخش عمده هزینه‌ها از ارز آزاد تأثیری نمی‌پذیرد.»
عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان درباره وضعیت تولید دارو در کشور هم توضیح می‌دهد: «کمبود ماده اولیه در برخی اقلام مشاهده شده و مشکل نقدینگی تولیدکنندگان هم جدی است. ارز اسمال به مقدار کافی به حوزه دارو اختصاص نیافت و همان میزان هم به‌موقع پرداخت نشده است. تأخیر سازمان‌های به‌مگر در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها نیز به این چرخه آسیب زده، وقتی مطالبات داروخانه‌ها پرداخت نمی‌شود، چک‌هایشان برگشت می‌خورد و به‌دنبال آن چک‌های تولیدکننده هم با همین مشکل مواجه می‌شود. تولیدکننده نقدینگی‌اش را از دست می‌دهد و حتی اگر بعداً ارزی تخصیص داده شود، توان خرید و تأمین ماده اولیه را ندارد. این موضوع در چرخه تولید اختلال ایجاد می‌کند. از طرفی بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، سازمان غذا و دارو و تولیدکننده هرکدام جداگانه تصمیم می‌گیرند و هماهنگی لازم وجود ندارد. این ناهماهنگی باعث می‌شود ماده اولیه وارد شود یا اصلا وارد نشود و در نهایت تولید دچار مشکل شود.» به گفته عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان، ظرفیت تولید دارو در کشور بالاست و حتی امکان صادرات نیز وجود دارد: «حمایت مؤثر از تولید صورت نمی‌گیرد. با وجود شعارهای سالانه درباره تولید، در عمل حمایت کافی انجام نشده و سوسه‌مدیریت‌ها باعث اختلال در چرخه تولید دارو شده است.»
فعالان صنعت دارو دلیل کمبودها را ترکیبی از مشکلات تأمین ماده اولیه، تأخیر در اختصاص ارز، اصلاح قیمت‌ها، کمبود نقدینگی تولیدکنندگان و ناهماهنگی نهادی عنوان می‌کنند. به گفته آنها، اگر چه ظرفیت تولید داخلی وجود دارد، اما اختلال در چرخه تأمین و توزیع و سیاست‌های ارزی و قیمتی، عرضه را کاهش داده و توزیع برخی برندها را سهمیه‌بای یا «قطره‌چکانی» کرده است. شرایطی که نگرانی بیماران از دسترسی پایدار به دارو را تشدید کرده است.

## گزارش «شرق» از کمبود، کمیابی و گرانی داروهای ضداسفردگی و کاهش عرضه شرکت‌های تولیدکننده

# کمیابی آسترا و فلوکستین؛ بازار «روان» زیر فشار قیمت

بررسی‌های میدانی از داروخانه‌ها نشان می‌دهد افراد به دنبال ذخیره‌کردن داروها، به‌ویژه داروهای اعصاب و روان هستند

**نسترن فرخ:**تقاضا برای دریافت داروهای ضداسفردگی و آرام‌بخش در هفته‌های گذشته به شکل قابل توجهی افزایش یافته است؛ موضعی که مدیران داروخانه‌های سطح شهر نیز آن را تأیید می‌کنند.
با این حال، داروهای برمصرف و شناخته‌شده‌ای مانند آسترتا، فلوکستین و کلونازپام در بسیاری از داروخانه‌ها کمیاب شده‌اند و موجودی محدود آنها حتی با چند برابر قیمت به فروش می‌رسد. این وضعیت باعث شده بیماران مجبور شوند ساعت‌ها برای یافتن داروی مورد نیاز خود وقت صرف کنند یا به چندین داروخانه مراجعه کنند، در حالی که فشار روانی ناشی از کمبود دارو و هزینه‌های بالا بر شدت اضطراب و استرس آنها می‌افزاید.
از طرفی روان‌پزشکان و روان‌شناسان تأکید می‌کنند مراجعه بیماران به اتاق‌های درمان در ماه‌های اخیر غیرقابل‌مدیرسه یا سال‌های قبل بوده که دلیل اصلی آن حوادث اخیر رخ‌داده در کشور است. افزایش اضطراب، اسفردگی و فشارهای روانی، تعداد بیماران نیازمند درمان دارویی و غیردارویی را بالا برده و در بسیاری از موارد، مصرف دارو تنها راهی است که بیماران می‌توانند زندگی روزمره خود را ادامه دهند. از اسسوی دیگری، به گفته عضو هیئت‌مدیره انجمن داروسازان، یکی از عوامل مهم کمبود دارو و محدودیت عرضه، مسئله اصلاح قیمت داروهاست. معمولاً هنگام اعمال تغییرات قیمت، وقفه‌ای در تولید و توزیع ایجاد می‌شود که توزیع دارو را محدود و موجب کمیابی موقت می‌شود. این مسئله در کنار مشکلات تأمین مواد اولیه، نرخ ارز و مشکلات نقدینگی برخی تولیدکنندگان، فشار مضاعفی بر دسترسی بیماران به داروهای ضروری وارد کرده است.

### افزایش قیمت، افزایش تقاضا

افزایش هم‌زمان قیمت و کمبود داروهای ضداسفردگی، بیماران را وارد چالش‌ی جدی کرده است؛ چالشی که از هزینه‌ویزیت پزشک آغاز می‌شود و تا بازار کمره‌مق داروخانه‌ها ادامه پیدا می‌کند. یکی از مصرف‌کنندگان آسترتا ۱۰۰، مرد جوانی است که از کمبود این دارو می‌گوید و توضیح می‌دهد: «هر جعبه آسترتای ۱۰۰، چهار برگ است که هر برگش هفت قرص دارد. با این حال دیروز چون نسخه نداشتم داروخانه فقط یک برگ آن را داد که با هفت عدد قرص هر برگ، ۱۲۵ هزار تومان شد، یعنی هر عدد قرص ۱۸ هزار تومان. در این مدت مصرف داروهای آرام‌بخشم خیلی بیشتر شده. برای یک ویزیت ساده روان‌پزشک که همین داروهای معمول را بنویسد باید ۴۰۰ هزار تومان پرداخت کنم؛ یعنی ماهی حدود یک میلیون تومان فقط هزینه ویزیت و تهیه دارو می‌شود.» این وضعیت بیشتر مصرف‌کنندگان است. زن جوان دیگری در توضیحاتش به مبلغ ۶۵۰ هزار تومان برای تهیه داروی آسترتا اشاره می‌کند: «آخرین بار که آسترتا ۱۰۰ گرفتم ۶۵۰ هزار تومان شد؛ یعنی هر قرص حدود ۲۳ هزار تومان. بخش زیادی از حال بد روانی من به‌خاطر استرس و فشارهای اقتصادی است و برای درمانش هم باید هزینه قابل‌توجهی پرداخت کنم. در حالی که همین درسام هم اثر چندانی ندارد.» او می‌گوید در ماه‌های اخیر حالش بدتر شده و پزشک دوز داروهایش را افزایش داده است؛ افزایشی که به معنای هزینه بیشتر است. در این مصرف‌کنندگان داروهای ضداسفردگی، به نظر جوان‌ها در صف اول هستند. بین آنها جوان دیگری است که مصرف داروهای ضداسفردگی را از اعتراضات سال ۱۴۰۱ شروع کرده و حالا با افزایش قیمت و کم‌شدن این داروها در داروخانه‌ها مواجه شده است: «در چند ماه گذشته هزینه دارو خیلی بالا رفته، آخرین بار که آسترتا خریدم حدود ۵۰۰ هزار تومان شد. برای تهیه همان هم به دو داروخانه رفتم و نتکنند بداریم. داروخانه‌ای که این دارو را داشت تأکید کرد، دفعه بعد احتمالاً قیمت آسترتا بیشتر می‌شود. حداقل چیزی که برای سلامت روانم از آن استفاده می‌کردم هم این روزها گران‌تر و کمیاب شده است.» زن دیگری که به صورت منظم به روان‌پزشک مراجعه می‌کند، توضیح می‌دهد از اول سال برای تهیه این دارو دچار مشکل بوده است: «رگم دارو را پیدا می‌کردم مجبور بودم با قیمت بالا بخرم. قیمت نوع ایرانی آن مثل خارجی است و از نظر من کیفیت مطلوب و اثربخش هم ندارد. داروهای دیگر هم هر بار گران‌تر می‌شوند؛ مثلاً قرص لیتیم ۵۰۰ هزار تومان بود و از دو ماه قبل ۷۰۰ هزار تومان شده است. موضوع بدتر اینکه بیشتر داروهای اعصاب و روان بیمه نیستند.»

### فروش «آسترتا» بیشتر از داروهای سرماخوردگی

بررسی میدانی از برخی داروخانه‌های سطح شهر هم افزایش قیمت و کمبود داروهای ضداسفردگی و آرام‌بخش مانند آسترتا، فلوکستین یا کلونازپام را تأیید می‌کند، در حالی که بیشتر داروخانه‌ها در ماه‌های اخیر با افزایش تقاضای این داروها مواجه شدند. مدیر یکی از داروخانه‌های مرکز شهر توضیح می‌دهد در حال حاضر فقط آسترتای ۱۰۰ موجود دارد که آن هم از موجودی قبلی است و در صورت اتمام، مشخص نیست چه زمان و با چه قیمتی به دستشان برسد. به گفته مسئول این داروخانه، قیمت آسترتای ۱۰۰ که بیش‌تر حدود ۴۰۰ هزار تومان بود، اکنون به بیش از ۶۰۰ هزار تومان رسیده است. برخی داروهای ضداسفردگی نیز تا ۲۰۰ هزار تومان افزایش قیمت داشته‌اند. داروخانه‌ها از دشواری تأمین داروهای اعصاب و روان می‌گویند؛ از جمله کمبود کلونازپام و حتی برخی تولیدات داخلی که حالا به‌سختی در بازار پیدا می‌شوند. در چنین شرایطی، بیماران نه‌تنها با فشار روانی ناشی از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بلکه برای دسترسی به حداقل‌های درمان نیز باید هزینه‌های بالاتر بپردازند و زمان بیشتری صرف جست‌وجو در داروخانه‌ها کنند؛ وضعیتی که خود می‌تواند به تشدید اضطراب و ناامنی روانی بینجامد.
آزاده رحیمی، مدیر یک داروخانه در مرکز شهر تهران، از افزایش چشمگیر تقاضا برای داروهای اعصاب و روان در هفته‌های اخیر می‌گوید و توضیح می‌دهد: «با کمبود دارو مواجهیم، اما در عین حال تقاضا برای داروهای اعصاب به‌شدت بالا رفته است. مردم دچار استرس شده‌اند و خیلی‌ها نگرانند که در آینده نتوانند داروی مورد نیازشان را تهیه کنند. برخی بیماران از پزشک می‌خواهند تعداد بیشتری برایشان تجویز کند و حتی اگر بیمه پوشش ندهد، حاضرند چند بسته اضافه بخرند تا برای ماه‌های بعد ذخیره داشته باشند. مصرف آسترتا در داروخانه ما از داروهای سرماخوردگی هم بیشتر است. با این حال شرکت‌های پخش سهمیه‌ها را محدود کرده‌اند، مثلاً از ماهی صد بسته تا ۲۰ بسته روزانه برای دیگر هم فعلاً توزیع نمی‌شود. طبق مشاهدات ما افزایش تقاضا برای داروهای ضداسفردگی یا آرام‌بخش دست‌کم در یک ماه گذشته بسیار محسوس بوده است.» او ادامه می‌دهد: «بیشترین درخواست‌ها مربوط به داروهایی مانند آسترتا و سرترائین است، داروهایی از خانواده مهارکننده‌های بازجذب سروتونین که برای درمان اسفردگی و اضطراب تجویز می‌شوند. از طرفی سرترائین تولید شرکت‌های مختلف در بازار هست، اما بعضی بیماران می‌گویند اثری که از آسترتا گرفته‌اند از برند دیگر نگرفته‌اند و همان را می‌خواهند. وقتی همان برند کم می‌شود، فشار روی داروخانه بیشتر می‌شود.»

### مراجعه به اتاق‌های درمان بیشتر از قبل

طبق گفته روان‌پزشکان و روان‌شناسان، در ماه‌های گذشته با شدت بیماری‌های سلامت روان مواجه شده‌اند. وحید شریعت، روان‌پزشک و محقق حوزه سلامت روان، در گفت‌وگو با «شرق» به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «ماجرای جنک، اعتراضاتی که از سر گذراندم و بحران‌های دیگر سلامت روان را نشانده می‌گیرد؛ بنابراین به‌طور کلی تعداد افرادی که نیازمند درمان‌های دارویی یا غیردارویی می‌شوند افزایش پیدا کرده ولی لزوماً همه به درمان درمان نیاز ندارند. با این حال اگر فرد سابقه دوره‌های قبلی اسفردگی یا اضطراب را داشته باشد، معمولاً به درمان طولانی‌تری نیاز دارد.»

## شرق

### خبرهای روز

### ۳۰ هزار پزشک عمومی درایران طبابت نمی‌کنند

رئیس سازمان نظام پزشکی با اشاره به بیش از ۳۰ هزار پزشک عمومی غیرفعال در حوزه طبابت گفت: ضروری است با فراهم‌کردن شرایط مناسب، زمینه بازگشت آنان به چرخه درمان یا ورود به دوره‌های تخصصی فراهم شود. محمد رئیس‌نژاد، درباره وضعیت پزشکان عمومی که وارد عرصه طبابت نمی‌شوند، گفت: «براساس آماري که از پروانه‌های مطب و سایر تحلیلهای انجام‌شده در اختیار داریم، حداقل ۳۰ هزار نفر از پزشکان عمومی کشور در حال حاضر در کار طبابت فعالیت ندارند.» او افزود: «برنامه ما مشخص است؛ باید شرایطی فراهم شود که این افراد یا وارد دوره‌های رزیدنتی شوند –که هم‌اکنون در برخی رشته‌ها ظرفیت خالی وجود دارد، مانند اطفال، بیهوشی، عفونی و اورژانس– یا شرایطی ایجاد شود که طبابت به‌عنوان پزشک عمومی از نظر اقتصادی و حرفه‌ای برای آنان مقرون‌به‌صرفه باشد.» رئیس سازمان نظام پزشکی ادامه داد: «در حال حاضر برای برخی از پزشکان عمومی، طبابت صرفه اقتصادی ندارد و همین مسئله موجب شده است از فعالیت حرفه‌ای فاصله بگیرند؛ بنابراین باید اختیارات و بستری‌های لازم به‌گونه‌ای تعریف شود که امکان فعالیت مؤثر و پایدار برای آنان فراهم باشد.» رئیس‌زاده درباره نحوه رسیدگی به تخلفات پزشکی نیز گفت: «تخلفات در حوزه پزشکی انواع مختلفی دارد؛ یکی از مصادیق آن، قصور پزشکی است که در صورت وقوع، مردم می‌توانند به سازمان نظام پزشکی یا سازمان پزشکی قانونی مراجعه و شکایت خود را ثبت کنند. هیئت‌های انتظامی به این موارد رسیدگی می‌کنند و روند مشخصی برای بررسی و صدور رأی وجود دارد.» او افزود: «در مواردی که عمل جراحی یا مداخله درمانی منجر به آسیب شود نیز امکان شکایت برای مردم فراهم است و این موضوع در مراجع ذی‌صلاح بررسی می‌شود. مسیر رسیدگی به تخلفات برای مردم شناخته‌شده است و سازوکار قانونی مشخصی در این زمینه وجود دارد.»

## کودکان؛ ۷۰درصد بیماران نادرژنتیکی

معاون درمان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اعلام کرد: «حدود ۷۰ درصد بیماران نادر ژنتیکی را کودکان تشکیل می‌دهند.» سجاد رضوی گفت: «بیماری‌های نادر به دسته‌ای از بیماری‌ها اطلاق می‌شود که غالباً منشأ ژنتیکی داشته و میزان شیوع آنها در جامعه کمتر از پنج نفر در هر ۱۰ هزار نفر است. اگرچه شیوع این بیماری‌ها پایین است، اما به دلیل پیچیدگی‌های تشخیصی، هزینه‌های سنگین درمان و نیاز به مراقبت‌های مستمر، بار درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراقبتی و توان‌بخشی بهره‌مند شوند. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی منسجم، حمایتی مالی هدفمند و ارائه خدمات تخصصی درخور توجهی بر بیماران، خانواده‌ها و نظام سلامت تحمیل می‌کند. در اغلب موارد، درمان قطعی برای این بیماری‌ها وجود ندارد و بیماران ناگزیرند در تمام طول عمری از درمان‌های حمایتی، مراق



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

# شترت

شنبه ۹ اسفند ۱۴۰۴ • ۱۰ رمضان ۱۴۴۷ • ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ • سال بیست‌دوم • شماره ۵۳۳۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۱۷ • اذان مغرب ۱۸:۱۷ • اذان صبح فردا ۵:۱۱ • طلوع آفتاب ۶:۳۵

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

### خبرخوانی

## ۳۰۰۰ جلسه اجباری برای دانش‌آموزان بازداشتی

«صادق حسین‌زاده ملکی»، معاون پرورشی و فرهنگی وزیر آموزش و پرورش، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در پاسخ به این سؤال که آیا شما برنامه‌ای برای دانش‌آموزان بازداشتی آزادشده دارید تا از نظر تحصیلی دچار افت نشوند و بتوانند مشکلات آموزشی ناشی از بازداشت را جبران کنند تا به سمت ترک تحصیل سوق داده نشوند، گفت: «یکی از برنامه‌هایی که ما در طول همین یک ماه گذشته آن را دنبال کردیم، برگزاری بیش از سه هزار جلسه مشاوره‌ای برای دانش‌آموزان عزیزمان بود که گرفتار این قضیه شده بودند. در اغلب این جلسات سه تا هفت جلسه هم ادامه پیدا می‌کرد تا دانش‌آموزان به خوبی به فضای مدرسه برگردند.» او افزود: «البته می‌دانید که عمده این افراد آزاد شدند و مراحل خدمات مشاوره‌ای که ارائه می‌دهیم، پس از بازداشت صورت گرفته است. هم‌اکنون نیز در حال برگزاری، توسعه و تقویت این جلسات هستیم. این خدمات هم از جنس خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی، هم تربیتی و هم بخش مهمی از آنها ناظر به خدمات تحصیلی است.»

ملکی تأکید کرد: «ما معتقدیم هر قدر دانش‌آموزان عزیزمان به فضای امن مدرسه مراجعه کنند و از آن بهره‌مند شوند، می‌توان آنان را از مخاطرات اجتماعی و خطرناک خارج از این محیط‌ها در امان نگه داشت.»

او اضافه کرد: «البته نه‌فقط دانش‌آموزان، بلکه تعداد زیادی از این افرادی که گرفتار این ماجرا شدند، نوجوان‌هایی بودند که سال‌ها قبل ترک تحصیل کردند. در حال پیگیری وضعیت این افراد نیز هستیم تا بتوانیم آنان را به فضا و نهاد مدرسه برگردانیم.»



درحالی‌که وزیر آموزش و پرورش مدعی است همه دانش‌آموزان بازداشتی آزاد شده‌اند، رسانه‌های نزدیک به دولت از قول سخنگوی شورای تشکل‌های صنفی فرهنگیان اعلام کرد: «همچنان ۵۰ دانش‌آموز در بازداشت هستند.»

### تیغ افزایش مالیات برگردن کسب‌وکارها

در جریان بررسی بخش‌های درآمدی لایحه بودجه سال آینده، موضوع افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده به یکی از محورهای بحث‌برانگیز میان دولت و مجلس تبدیل شد؛ پیشهاد نرخ ۱۲ درصد که با استدلال ضرورت تأمین منابع پایدار مطرح شد، اما در نهایت با نرخ ۱۰درصدی پیشین تثبیت شد.

به گزارش میزان، امروز مردم با فشارهای متعدد اقتصادی و معیشتی روبه‌رو هستند و هرگونه افزایش در مالیات بر ارزش افزوده مستقیماً در قیمت کالاها و خدمات نمایان می‌شود و آثار تومری آن به‌سرعت به سفره خانوار منتقل می‌شود. همچنین مالیات بر ارزش افزوده، پایه‌ای زنجیره‌ای است و افزایش آن علاوه بر مصرف‌کننده، تولیدکننده را نیز تحت فشار قرار می‌دهد، زیرا رشد هزینه‌ها به کاهش تقاضای کل منجر می‌شود و در نهایت رکود تومری را تشدید می‌کند.

برخی معتقدند اگر قرار است درآمدهای مالیاتی افزایش یابد، مسیر آن ساماندهی فعالیت‌های غیرمولد، مقابله با سوداگری و جلوگیری از فرار مالیاتی است، نه افزایش نرخ بر مصرف عمومی که ساده‌ترین و درعین‌حال پرهزینه‌ترین راه برای مردم است. فشار نامتوازن بر کارکنان، حقوق‌بگیران و بخش مولد اقتصاد، عدالت مالیاتی را مخدوش می‌کند. در شرایط تومری کنونی، هرگونه افزایش در نرخ مالیات بر ارزش افزوده می‌توانست موج جدیدی از گرانی ایجاد کند.

مسعود پزشکیان به‌تازگی گفته است: «مردم از ما ناراضی هستند». آیا این جمله به معنای پذیرش واقعیت است؟ کارشناسان معتقدند وقتی در عرصه سیاست، اقتصاد یا آموزش عالی بازخورد اجتماعی نادیده گرفته شود، بحران‌ها نه‌تنها ادامه می‌یابند، بلکه زنجیره‌ای از پیامدهای علی-معلولی ایجاد می‌کنند که از محیط زیست تا دانشگاه و سرمایه اجتماعی امتداد می‌یابند. برخی از متخصصان معتقدند ایران امروز بیش از آنکه با کمبود منابع روبه‌رو باشد، با بحران تعریف و تبیین «پیشرفت» و پیامدهای اجتماعی آن مواجه است. مدل «آستانه پیشرفت» نشان می‌دهد توسعه واقعی زمانی حاصل می‌شود که رشد اقتصادی، اجتماعی و انسانی در چارچوب ظرفیت سرزمین و تاب‌آوری جامعه تعریف شود. از منظر محیط‌زیستی، سرزمینی که زاینده‌رودش خشک شده، دریاچه ارومیه‌اش در آستانه فروپاشی است و هوای آلوده کلان‌شهرها تهدیدی مزمن برای سلامت عمومی ایجاد کرده، دیگر مسئله صرفاً مدیریت منابع نیست. عبور تدریجی از آستانه‌های بوم‌شناختی خود عامل بحران‌های اجتماعی، نهادی و اقتصادی شده و تضعیف سرمایه طبیعی، انسانی و اجتماعی را در پی دارد. همین خطای مفهومی در عرصه دانشگاه نیز رخ می‌دهد. ۴۰ روز پس از رخدادهای پرهزینه اخیر، دانشگاه‌های ایران نه‌صرفاً صحنه ناآرامی دانشجویی، بلکه بازتاب زنجیره‌ای پیامدا بوده‌اند:

تجربه پرهزینه رخداد، تولید حافظه جمعی نسل جوان، ظهور کنش‌های نمادین، واکنش نهادی و در نهایت تضعیف سرمایه اجتماعی، همه در روابط علت و معلولی قرار گرفته‌اند. آیین جهلم در ست ایرانی، نه‌فقط مراسم سوگواری، بلکه فرایندی است که فقدان را به معنا تبدیل و نسل جوان را حساس‌تر و تحلیلگرتر می‌کند.

واکنش‌های محدودکننده آموزشی یا کنترل بخشی، هرچند با هدف مدیریت بحران انجام می‌شوند، می‌توانند خود معلول بحران قبلی را



### سعیدنبی

مستندساز

تقویت کرده و علت بحران بعدی شوند. پارادایم غالب هنوز رشد را مستقل از ظرفیت سرزمین تعریف می‌کند. همان نگاه کلاسیک رشد نامحدود که سرمایه طبیعی را قابل جانشینی با فناوری و سرمایه انسانی می‌پندارد. تجربه سرزمینی نشان می‌دهد برخی آستانه‌ها برگشت‌ناپذیرند و مدیریت پس از عبور از آنها هرگز جایگزین پیشگیری نمی‌شود. در سطح کلان، مدل «آستانه پیشرفت» در تقاطع چند پارادایم نظری قرار می‌گیرد:

۱- بوم‌شناسی سیاسی و اقتصاد سیاسی نشان می‌دهند محدودیت منابع طبیعی پیامدهای اجتماعی و سیاسی مستقیم دارد: کمبود آب و خاک، بحران غذایی، بی‌ثباتی اجتماعی و فشار بر نهادها.

۲- نظریه بحران و تغییر اجتماعی، روند بازتولید چرخه بی‌اعتمادی را توضیح می‌دهد.

۳- توسعه پایدار و اقتصاد سبز هشدار می‌دهند رشد بدون ملاحظات محیط‌زیستی و اجتماعی، سرمایه طبیعی و انسانی را تحلیل می‌برد، اما مصالحه کوتاه‌مدت غالباً به سود رشد انجام می‌شود.

مدل «آستانه پیشرفت» نشان می‌دهد پایش شفاف داده‌های محیط‌زیستی و اجتماعی، اصلاح فرایندها و بازچرانی منابع، بازآرایی الگوی تولید و مصرف، همه در یک زنجیره علت و معلولی عمل

### نشانه‌خوانی

# سه‌م کالاب‌رگ در زندگی ما

از ۱۱ قلم کالای اساسی تا پوشک



### بویا نعمت‌اللهی

در همین روز موضوع پوشک نیز سروصدا کرد. پوشک هم به صرف تنوع مصارف و هم گروه‌های سنی مصرف‌کننده آن می‌تواند به درجاتی یک کالای نمادین باشد. آنچه سخنگوی دولت مطرح‌نظر دارد، در توضیحات بعدی مشخص‌تر بیان می‌کند. در وضعیتی که کشور با بحران درآمدی مواجه است و حتی دولت مجبور شده به مردم کمک کند که سیب‌زمینی و پیاز بخردند، هنوز دغدغه‌هایی چون فرزندآوری در اولویت است. سخنگوی دولت گفته از سال جدید، برای نوزادان ماهانه مبلغ دو میلیون تومان تحت عنوان «کارت امید مادر» اختصاص خواهد یافت. این اعتبار می‌تواند بخشی از هزینه‌های مرتبط با تأمین پوشک، شیر خشک و سایر نیازهای ضروری نوزادان را پوشش دهد. این بودجه‌ها قرار است از کجا تأمین شوند؟ کل زمان رسیدگی به بودجه در مجلس به ۱۰ روز هم نرسید. یعنی مقدرات مالی و اقتصادی ایرانین این‌قدر ارزش نداشت که ۱۰ روز از وقت نمایندگان همین مردم را بگیرد؟ ویژگی چنین بودجه‌ای چه می‌تواند باشد؟ چرا این‌قدر سریع تصویب و تأیید شده؟ در سال‌های گذشته برای هر رقم از جداول متعدد بودجه سننواتی بحث و جدل‌های متعددی درمی‌گرفت. اما گویا امسال بودجه باید سریع تصویب می‌شد. احتمالاً مراحل بعدی



چندین لنج دریایی که سال‌ها پیش با هدف راه‌اندازی یک مجموعه گردشگری به روستای کمسار از توابع شهرستان شفت منتقل شده بودند.

همچنان بدون استفاده در این منطقه باقی مانده‌اند. این طرح هرگز به مرحله اجرا نرسید و شاورها در این محل رها شدند. عکس: سعید نیکپور، مهر

### هنرخوانی

**کناره‌گیری شهاب‌حسینی**

**از سینما یا دلخوری؟**

شهاب حسینی که از دهه ۷۰ دنیای بازیگری گذاشت پای گذاشت و با ایفای نقش در فیلم‌های اصغر فرهادی به شهرتی فراتر از مرزهای ایران رسید، با انتشار متنی که رنگ‌وبوی مذهبی و مناجات‌گونه داشت، از دنیای سینما خداحافظی کرد. متنی که نه شبیه یک بیانیه رسمی صنفی بود و نه اطلاعیه‌ای حرفه‌ای، بلکه بیشتر به‌گفت‌وگویی درونی با خدا شباهت داشت؛ لحنی شخصی، تأملی و آمیخته با دل‌زدگی از تمجید و تحقیر. او چند روز پیش در مراسم چهلم جواد گنجی، دستیار کارگردان، سخنرانی کرده بود؛ سخنانی که بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشت. حسینی در آن مراسم از « هزاران کشته» یاد کرد و با لحنی انتقادی از رنج‌های انباشته‌شده جامعه گفت. او بر مسئولیت اخلاقی هنرمند تأکید کرد و اینکه هنر نمی‌تواند درباره دردهای عمومی بی‌تفاوت بماند. همین سخنرانی برای برخی نشانه تغییری در لحن و موضع‌گیری‌های او تلقی شد. در سال‌های گذشته، همواره بخشی از منتقدان برانداز از نوع موضع‌گیری‌های سیاسی او انتقاد می‌کردند و آن را به اندازه کافی صریح نمی‌دانستند. آنان معتقد بودند حسینی در بزنگاه‌های حساس، زبانی کلسی و محتاطانه برمی‌گزیند. در مقابل، طرفدارانش می‌گفتند او هنرمندی مستقل است که نمی‌خواهد به کنشگر سیاسی بدل شود. با این حال، در سال ۱۴۰۱ او به عنوان یکی از فعالان صنفی برای آزادی برخی سینماگران تلاش کرد و در رأی‌نی‌ها و پیگیری‌های صنفی نقش داشت؛ اقدامی که نشان می‌داد درباره وضعیت همکاری‌اش بی‌تفاوت نیست.

کارنامه هنری حسینی با نقش‌هایی مانند «درباره‌ه‌الی»، «جدایی نادر از سیمین» -که برایش جایزه بهترین بازیگر مرد جشنواره کن را به همراه آورد- و «فروشنده» کره خورده است. او یکی از چهره‌های اثرگذار دو دهه اخیر سینمای ایران بوده؛ بازیگری با توانایی در نقش‌های درونی و بیچیده. او در بیانیه خداحافظی‌اش نوشته است: «خدایا با همه وجود تو را شاکرم که در تقدیر ازلی خود مرا بی‌نیاز از آن کردی که بخواهم کاخ آرزوهایم را بر ویرانه‌های دیگران بسازم و هیچ‌گاه امید مرا که ناامیدی از

هرکس جز خودت بود، ناامید نکردی و در این جهان سرشار از اسارت‌های بیرونی و درونی شهید گورای زیستن در آزاداندیشی را به روح تیزده و عطشانکم، کشانندی و نعمت آزادی را از درون قلب و روح‌م بر من ارزانی داشتی. حال دیگر قلبم نه‌ از تمجیدها می‌شکفت و نه از تحقیرها می‌شکند. مرا آموختی که مهم نیست دیگران مرا چقدر می‌شناسند، مهم این است که من، خود خویش‌تر را چقدر می‌شناسم و این است حس خوب دل‌بستن به غیر تو. مرا خود به این وادی کشانندی و ملال زیستن در برابر چشمان همیشه قضاوتگر و گاه عاری از انصاف را به جانم نشانادی که هرچه کردم، آنچه خود خواستند دیدند و هرچه گفتم، آنچه خود خواستند شنیدند و من درس خود را از این آزمایش فرا گرفتم و حال می‌خواهم که مرا از این وادی به در آری تا از این پس عطایش را به لقای تو ببخشم. آمین یا یگانه تنها وای یگانه آشنا».

شهاب حسینی در آذر امسال برای فیلم‌نامه «پتک» مجوز تهیه‌کنندگی با کارگردان فیلم سینمایی «رها» دریافت کرده بود. این دومین همکاری او با حسام فرهمند است. پیش از این شهاب گفته که هم به‌عنوان دلخوری شهاب حسینی و هم خداحافظی او از عالم سینما تعبیر شده است، قرار بود این سینماگر در این درام اجتماعی همکاری کند. فیلمی که گفتم می‌شود فیلم‌نامه آن را محمدعلی حسینی نوشته و طبق اعلام سازندگان، پروانه ساخت هم برایش صادر شده است. فیلمی که هنوز فهرست بازیگران آن مشخص نیست و حالا معلوم نیست چه سرنوشتی خواهد داشت. شهاب حسینی در کارنامه خود تهیه‌کنندگی آثاری مانند «حرکت آخر»، «نویسنده مرده است»، «شین»، «مقیمان ناکجا» و… را دارد. شهاب حسینی سال گذشته برای بازی در فیلم «رها»، نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد بود و وقتی جایزه به او تعلق نگرفت، اعتراض کرد. شهاب حسینی در تعداد زیادی از آثار شاخص سینمای ایران و سریال‌های ماندگار حضور دارد؛ از جمله فروشنده، حوض نقاشی، پرسه در مه، شمعی در باد، سریال شهرزاد، درباره‌ه‌الی، واکنش پنجم و سوپرستار. او نشان شوالیه کشور فرانسه، جایزه جشنواره کن در بازیگری مرد و خرس قره‌ای جشنواره برلین را به همراه دیگر بازیگران درباره‌ه‌الی دریافت کرده است.

